

MİLLÎ KÜTÜPHANE BAŞKANLIĞI

Ş.S.D.:

İL / İLÇE : ANTALYA

Demirbaş No : 1

Mikrofilm No: 4307

Poz Sayısı:

Çekildiği Yıl : 1998

فرزی نعمتی دو غیره فری زن فری بنه فر (فضلد)  
فری فارسی دو رزنه اوله زمامه اوله (فر)  
بری اربابی فری تسلیم بله بده و عدو نشیخ

حاج جبریل خوشیده بعثت بازار احمدیه که در شهر کلکنی و در هر آنچه  
که در آنچه خود دینها او و نسبت مال خبر و دلنا هدف دارند اینجا نشود  
که خود و از در

او توپر سرمه کی سبب نہ مینے کے بارے میں جھاگھر شد کہ اسی نتیجے کی  
اٹھ پڑتے اور قوت ایکلی خیال مدد نہیں۔ میر کسی ایکنہ نہیں تھوڑا باندھ نظر کر لے جو  
مد نہیں ادا کر سکتا جو اس کو اپنے کھلکھلے کی طرف کھو دے۔ احمد قودی اور احمد امدادی اور  
ما روز و نیز اونو دوست عیوب و عطا اور ان کا امام حافظ احمد و مصطفیٰ رضا و  
شایخ و بو شری ماعدا احمد غفرانی کے درمیان ایک رصدہ اور اعلیٰ اللہ تھا جو اس  
تھوڑی بڑی طبقہ کے دینے چاہیے تھا۔ صیاح سنتیہ نہیں اول لئے بلکہ کوئی سرزد نہیں

۰ انطباعی ملکه بیوی موجو در جهان عارضه ای را در روح او خواه هم کنات  
جهان از این سعادت برخیش نشود.

باروت سیا  
فهد وارول

١٤٦ فتح رفعت سلم ١٤٧ ١٤٨ ١٤٩

اصل فارسی  
مع مقصہ

لوبنی خانہ جب مانہ سنہ اپنار درو فنہ صورت دیکھیں

اگه این بله فنا فنا انصاف لیه جیهان و محبد او لانه و ابریل درونه  
بیزان او ناد تو او فریعته

فہرست صفحہ ۱۰۱۹

صافی - مجموعه اولانه  
برزوئی

وَسْطٌ ٢٧٢٤  
٤٩٠٠  
انفع جزء از ده صافی خرد مجمله شنیدن مجده ایهای دخوه و مواعظ همان زمینه مجموعه شد.

وقد حل صيامك اذ رأيتني باشكى نفسك مذهب اميرك بمشهد شریعہ  
ک اور زیر غائب اعدا اولین اوزر زیر امتحان شریعہ خلافتی دعوب حق  
کو عجب بخشی سپرد هم کیشڑی دزدید کلاریزید اوزر

مشهور اغوا کیکی مکمل لرنز بروزه است و اینکه لکت اولانجی ذهنیک زوکی هارلز و نورس مینا  
نام ذهنیه لعنون رفیزه اصله و اولاده ری واصلی و قدرته و انسانها من نامه صشم رفیزه  
و صارت نیز مکر منکر مکمل رفیزه ایلکن باید تابعه بود بنت شیخ عقده های لکت اولاده اغوا کیکی  
زوکی طبیدار ولدت ایلکسکر زوکی های لکت حضور اغوا ذهنیک زوکی های لکت مینیک  
بیشتر عجیب و از درجه ایغا ایدرس دعوه صد و نه ایلکن شفیره مصلحه نیز رکھ طرف ایلکن  
بیوز خوش بیشتر صلح و ایلکن ایلوس همراه ایلکن و تختی برای راسته عقده ایلکن ملکی و دنیا  
بیوز غنی باشیم حضور ایلکن ایخ و اغوا زوکی طبیدار ایغا فردیزینه ملک و برابر نهاده  
محبت شریعه و رذیکی بالکتب ثبیر و خداید و بخت او ایلکن ملک و راسکیجی

<b>فقر</b>	<b>نظام</b>
١٢٥٠	المكفي قسط مالا حضر
٣٩٥٣	المكفي قسط مالا حضر و دورة كل ملار بالمساكن
١١٦٠	فقر باب سنجان
٣٥٥٨	مصاريف سنجان
٩٥٦٩	مصاريف سنجان
<b>ص</b>	<b>شيداف</b>
١٦٠٠	المكفي قسط مسبرى و دورة كل ملار
١٥٣٠	المكفي قسط مسبرى و دورة كل ملار بالمساكن
٢٢٤٤	مصاريف سنجان
٥٣٤٦	مصاريف سنجان
<b>م</b>	<b>محل</b>
٤٠٠	المكفي قسط مالا حضر
٣٠٠	المكفي قسط مالا برى
١٢٠٠	فقر مسبرى
٣٠٠	عنيق و ملائى
٢١٥٠	مصاريف سنجان
٧٧٦٠	مصاريف سنجان
<b>ص</b>	<b>فرشيب</b>
٨٢٠	المكفي قسط مالا حضر
٣٧٦	المكفي قسط مالا حضر و دورة كل ملار
١٥٠٠	بسعف و رواية بها
٣٦٤٦	مصاريف سنجان
٨٤٩٦	مصاريف سنجان
<b>ص</b>	<b>فتش</b>
٥٠٠	المكفي قسط مالا حضر
٣٣٦	فقر مسبرى
٧٨٥٤	مصاريف سنجان
١٤٣١٤	مصاريف سنجان
<b>ص</b>	<b>نكمه</b>
٨٨٠	المكفي قسط مالا حضر
٢٣٣٤	المكفي قسط مالا حضر و دورة كل ملار بالمساكن
٣٥٨٠	فقر مسبرى و دورة كل ملار
٤٨٧	مصاريف سنجان
١١٦٦١	مصاريف سنجان
<b>ص</b>	<b>المدبر</b>
٣٠٠	برمناد و دورة كل ملار بالمساكن
١٩٢٠	فقر مسبرى
١٠٠	أذى زماني قسط
٤٤٨٨	مصاريف سنجان
٩٦٨	مصاريف سنجان
<b>ص</b>	<b>نكمه</b>
٨٨٠	المكفي قسط مالا حضر
٢٣٣٤	المكفي قسط مالا حضر و دورة كل ملار بالمساكن
٣٥٨٠	فقر مسبرى و دورة كل ملار
٤٨٧	مصاريف سنجان
١١٦٦١	مصاريف سنجان

بالاً مذکور مصادر سخن در پرداخت هادت فیلم‌لار و هدف این احابت این هزار بیم  
اوست زیر و عالی مطابق دوام هضر و اکتساب نسخه و ملکه این سیم اینچه افسوس است این در کلیه این دو اتفاق این روزهای این ایجاد شده باشد این اتفاق از اینجا نشانه ای از اینکه  
الترکان مکانی قطبیات ایشان را طلاق دارند و قدر تکریبی در اینجا تحقیق اینکه در نزد این احقر نویش  
که خدا در این سعد شرمنه خوشی را می‌داند و در حقیقت آن چیزی است

فرازهان نظری

٢٣٠	دزد خبری و کرامه آنچه بخط
٤٤٨٨	کسر خراش
٤٤٨٨	مصارف سخاف

بِكَ الْمُجْتَمِعُ اَوْ قَوْزَسْدَهُ سَمَكَ سَفَنَ تَقْبِيْطَهَا يَاتِي مَعَهُ الْاَوْزَسْدَهُ  
اوْ قَوْزَسْدَهُ سَمَكَ سَفَنَ اَسْمَاءَ سَدَرَهُ شَرَبَلَهُ شَائِئَهُ قَدَرَهُ بِرَبَلَهُ قَوْنَاقَهُ  
وَمَا هُنَّ دُلُوكَهُ نَزَسْدَهُ اَلْحَافَاهُ اَبَنَهُ اَنْزَلَهُ اَبَرَهُ وَاجْبَرَهُ مَبَثَرَهُ وَعَوْجَهُ دَفَرَهُ بَارَهُ  
عَلَهُ دَرَوْشَهُ بَرَهُ بَارَهُ دَرَيَهُ وَسَارَهُ وَقَعَهُ بَلَهُ مَهْرَادَهُ دَفَرَهُ بَرَهُ حَالَهُ كَدَهُ وَ  
سَخَنَهُ فَدَرَهُ مَهْرَفَهُ وَبَرَهُ مَسْلَهُ وَسَخَنَهُ تَكَلَّدَهُ وَعَيْدَهُ يَاتِي بَسَرَهُ بَرَهُ دَلَهُ وَلَيْهُ  
حَصَنَهُ تَرَيَيْكَهُ حَالَهُ كَمَدَهُ مَسْلَيَهُ قَدَرَهُ اَلْغَرَاهُ عَغَيَهُ بَرَاهُ اَمَرَهُ صَدَهُ وَمَرَنَهُ شَرَعَهُ وَلَدَهُ  
حَجَرَهُ وَلَوَرَهُ اَلْهَنَهُ دَفَرَهُ دَرَهُ بَرَهُ جَوْهَهُ اَنَيَهُ ذَلِيلَاهُ اوْ نَزَبَهُ لَاجَلَهُ اَحْمَرَهُ شَهَيَهُ  
بَدَيَهُ اَسْدَهُ دَلَهُ دَسَرَهُ حَكَرَاهُ فِي الْبَيْمَهُ اَسَاعَهُ مَنْهُ شَهَرَهُ شَالَهُ شَيْشَهُ دَهَهُ

فروسمه = ایلک = ایلک = ۱۷

تخته نشیب طالقانی فرید سخنبرگ این بنا دارد. بجز انتزاع کار و زمزمه کوچک  
با عبارتی در درستی اینجا خواهد بود که این کار را کیمی می‌داند. کامی  
فرید و مولانا حسین نوری هم  
با عذر نظر خود را در برداشتند. اکنون اینمود و بدری نیا معلم به نظر آدم و زن اینها و غلبه  
بر اینها فرید و مولانا حسین این را می‌دانند. اینها معرفت و معرفت زیرا این طبق سرف سلطانی  
بیشتر بر بذلت اینها در بزم بر جزو اینها نگردیدند. باید از اینها قدرت منفعت و مضر  
مسالمات فرید سخنبرگ از اینها بیزار شفعت بود که از اینها قدرت منفعت و مضر  
که وله که فرید سخنبرگ  
شیخ مولانا حسین نوری  
سخنبرگ  
شیخ مولانا حسین نوری  
شیخ مولانا حسین نوری



سده است و این میزان طلوبه از دهنده های مدنی اول رفته و فوج افسوس نموده اند  
مشغق از اینکه قدر و لذتی کهنه است اینهاک اتفاق هست و مرد خلک تراویح آنها را  
بررسی صورت قدر و دشمن است این شر و دشمن دشمن و سختم اور رف  
مرت قدر طبقه این حکمه هست باید سه کیمی قدر که از اینها خود مزبور اینها داده  
و خواست از خود بر برگشت و ضم و خواست و از دهد و همچو ز قدره باید ارار و قدرت از  
وی است اینها کن و دشان را نزد اینها باید از اینها خود مزبور اینها داده  
ظاهر مزبور متنگ توکل اینها باید از اینها که از اینها خود مزبور اینها داده  
طلب و اینها را در این موضع متنگ بنداشته می باید از اینها خود مزبور اینها داده  
اینها را درین مبلغ ایستاده باید اینها که از اینها خود مزبور اینها داده  
املاک بآتش برش و خود را باشد بپرسید و می باید اینها خود مزبور اینها داده  
وارد فوج به بینه و بجهش و از این فوج می خواست اینها که از اینها خود مزبور اینها داده  
مخفیان مخفی را بعلو از اینها شو بدهیکه از اینها مخفیان از اینها خود مزبور اینها داده  
الله عز و جل از اینها خود مزبور اینها داده

جواب

四

8

25- علی‌نام انجی مخلص شریعت اندیش های خدیجه زوجه سید را به حضور  
شنبه نظر برداشت اینجا پیش از آنکه بارگاه بازدید کرد  
ایندر ایسم منیعه بایان صفات سید و اعیان امور دینی  
آنبوی محمد شریعه و برادرانش (۱) هستند

١٩

طبخ و غذی خانه

१००  
१००  
१००  
१००

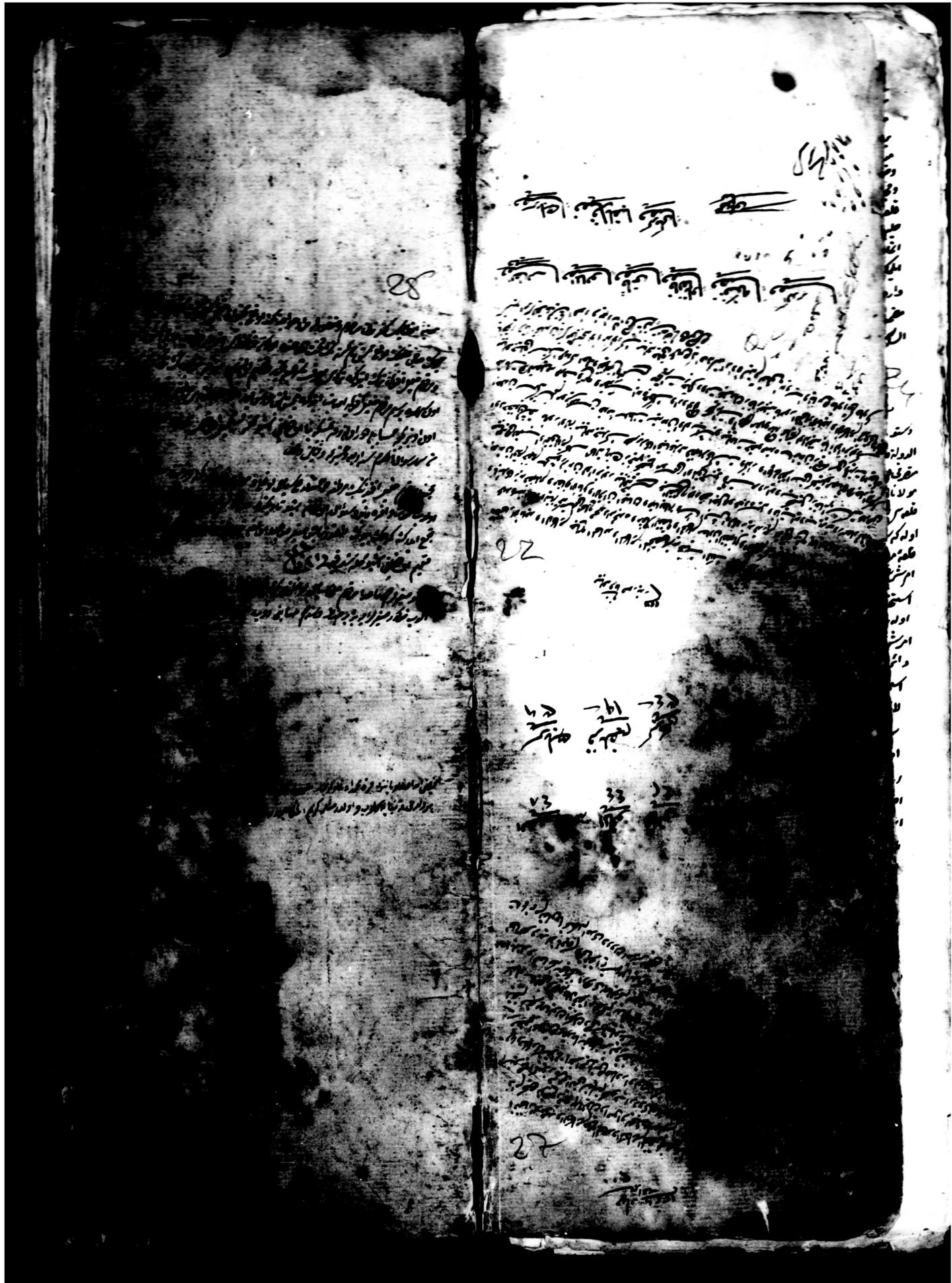
# KITABIN BAZI SAYFA(LARI) SARI

8

٢٥- علی‌نام انجی مخلص شاعر اشعار با محترم طبیعه زوجه سر را به حضور  
شنبه تقریر کلام پیر این‌وقت سند بمالزک دباره از دار  
اید، ایسم نهاده باشند علاق مرسلا واقع اولویت دیده  
آن‌شبو محمد شرخ دیر الدین <sup>۱</sup> ص ۲۹

طب و علوم صدر عین منادی

<u>٢٠</u>	ج
٣١	ج
٤١	ج
٥٢	ج
<u>٦٣٦١</u>	ج
<u>٦٤</u>	ج
٧٤	ج
<u>٧٥١١</u>	ج
٨٤	ج
٩٤	ج
<u>٩٥٠١</u>	ج
<u>٩٦</u>	ج
٣٦	ج
٤١	ج
٥١	ج
<u>٦٦٠١</u>	ج
<u>٦٦</u>	ج
٦٦	ج
٦٦	ج
٦٦	ج



مجمع الابواب البعين اعجم ما حد الماء  
مبني على اضطر سباقه بالغ وهو توكل اذ وللاباهة والتوهق وبنسبتين

لیکن بکسر زیر و بکسر زیر نه که کسب آنست بلطفه با مردم از نزد او وع پنهان میگذرد و میگذرد

وَمِنْهُمْ مَنْ يَرْجُو الْجَنَّةَ فَلِئَلَّا يَرْجُوا فَلَيَقُولُوا إِنَّمَا نَحْنُ نُخْرِجُ إِنَّمَا  
نَحْنُ نُخْرِجُ مَنْ أَنْشَأَنَا فَلَيَقُولُوا إِنَّمَا نَخْرُجُ مَنْ أَنْشَأَنَا فَلَيَقُولُوا إِنَّمَا  
نَخْرُجُ مَنْ أَنْشَأَنَا فَلَيَقُولُوا إِنَّمَا نَخْرُجُ مَنْ أَنْشَأَنَا فَلَيَقُولُوا إِنَّمَا

**فَيُنْهَا وَيُنْهَا وَيُنْهَا وَيُنْهَا**

۱۹- ۲۰- ۲۱- ۲۲- ۲۳- ۲۴- ۲۵- ۲۶- ۲۷- ۲۸- ۲۹- ۳۰-

١٩٠ ١٩١ ١٩٢ ١٩٣ ١٩٤ ١٩٥ ١٩٦ ١٩٧ ١٩٨ ١٩٩ ١٩١٠

۱۰۷۳

۱۰۰۰

وَمِنْهُمْ مُّنْذَنْبُونَ

سی و نهمین سال  
مکتبه ملی ایران

وَمِنْهُمْ مَنْ يَرْجُو أَنْ يُخْلِدَ فِي الْأَرْضِ فَلَكُمْ مَا أَلْقَيْتُمْ  
وَلَا يُنْهَاكُمُ الْحَسْنَى وَمَنْ جَاهَ فِي سَبِيلِنَا فَلَهُ أَجْرٌ  
لَا يُنْهَاكُمُ الْحَسْنَى وَمَنْ جَاهَ فِي سَبِيلِنَا فَلَهُ أَجْرٌ

بیانیه و میراث

۱۰۰ میلیون

وَمِنْهُمْ مَنْ يَعْمَلُ  
كُلَّ حُسْنٍ وَلَا يُشَدِّدُ  
عَلَى نَفْسِهِ وَلَا يُنْهَا  
عَنْ حُسْنٍ فَإِنَّمَا  
يُنْهَا عَنْ حُسْنٍ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

111.

This image is a high-contrast, black-and-white scan of a textured surface. The texture is highly detailed, appearing as a dense cluster of dark, irregular shapes against a lighter background. It resembles a microscopic view of biological tissue or a close-up of a rough material like sand or gravel.

Figure 10. A photograph of the same area as Figure 9, showing the effect of the removal of the topsoil.

طبع الادب

دُلْمِنِ اَعْمَانِ حَمْدَلِل

وَهُنَّ فِي أَخْضَرِ سَبَلَتِسْ بَالْمَهْرَ وَهُنَّ تَوَكَّلُونَ عَلَى الْأَحْمَانِ وَالْأَنْجَفِ وَهُنَّ مُسْتَهْمِنُونَ

۱۰-  
۱۱-  
۱۲-  
۱۳-  
۱۴-  
۱۵-

۱۰۰ ۹۹۰ ۹۸۰ ۹۷۰ ۹۶۰ ۹۵۰ ۹۴۰ ۹۳۰ ۹۲۰

۱۰۰

卷之三

故其子曰：「吾父之子，其名何？」

100-677-179

A black and white photograph showing a dense, horizontal band of dark, irregular shapes, possibly representing a textured surface or a specific type of material.

1990-91  
Yearbook

**THE END**

Figure 1. A photograph of the same field as Figure 1, but taken at a later date. The white line indicates the position of the original photograph.

...and the last time I saw him he was sitting in a chair, holding a cigarette, looking at me with a weary expression.

2000-01-01 00:00:00.000000000

This image is a dark, grainy scan, likely from a film or a low-light video source. It features a faint, horizontal band of light or noise that is darker on the left and right sides and brighter in the center. The overall texture is noisy and lacks clear, identifiable features.

— 1 —

وَالْمُؤْمِنُونَ

卷之三

卷之三

A horizontal row of approximately 15 dark, irregular, and somewhat pointed shapes, possibly seeds or small fruits, arranged in a loose cluster. They are set against a dark background.

— 1 —

Figure 1. A photograph of the same area as Figure 1a, but taken at a later time. The vegetation has been removed from the surface.

10. *Leucosia* (Leucosia) *leucostoma* (Fabricius) (Fig. 10)







۶۷۰  
میراث کر بر پایه این احده بقیه میراث بینه هایی خود را از این اتفاق خارج نمایند  
میراث مسیس قدر دسته ای از میراث ملکیان این اتفاق خارج نمایند  
بین اتفاق ممکن است از این میراث ملکیان این اتفاق خارج نمایند  
از اتفاق ممکن است از این میراث ملکیان این اتفاق خارج نمایند  
۶۷۱ کربلہ

وَمَنْ يُعْلِمُ مَا فِي الْأَرْضِ إِلَّا هُوَ أَكْبَرُ  
وَمَنْ يُعْلِمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ إِلَّا هُوَ أَكْبَرُ

وَمِنْهُمْ مَنْ يَرْجُوا  
أَنَّا نُنَزِّلَنَا مِنْ  
أَنَّا نُنَزِّلَنَا مِنْ





15

وَمِنْهُمْ مَنْ يَرْجُو  
أَنْ يُنْهَا فِي الْجَنَّةِ وَمَنْ  
يَرْجُوا أَنْ يُنْهَا فِي النَّارِ  
فَلَا يَرْجِعُوهُ إِلَيْهَا وَمَا  
كَانُوا بِغَيْرِ حِلٍّ لِمَنْ  
يَرْجُوا لِيَوْمَ الْحِسَابِ  
أَنْ يُنْهَا فِي النَّارِ  
وَمَنْ يَرْجُوا  
أَنْ يُنْهَا فِي الْجَنَّةِ  
فَلَا يَرْجِعُوهُ إِلَيْهَا وَمَا  
كَانُوا بِغَيْرِ حِلٍّ لِمَنْ  
يَرْجُوا لِيَوْمَ الْحِسَابِ  
أَنْ يُنْهَا فِي الْجَنَّةِ

52

15

بـ ١٦  
بـ ١٥  
بـ ١٤  
بـ ١٣  
بـ ١٢  
بـ ١١  
بـ ١٠  
بـ ٩  
بـ ٨  
بـ ٧  
بـ ٦  
بـ ٥  
بـ ٤  
بـ ٣  
بـ ٢  
بـ ١

فَلَمَّا دَرَأَهُ الْمَوْتُ

لهم إنا نسألك ملائكة خيرك من أهل الجنادل

وَالْمُؤْمِنُونَ إِذَا قَاتَلُوكُمْ لَا يُغَيِّرُوا مِنْ أَعْمَالِهِمْ وَإِنْ يَعْصِمُوهُمْ مِنْ عَذَابٍ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ

وَمِنْهُمْ مُّنْذِرٌ وَمِنْهُمْ مُّنْذِرٌ وَمِنْهُمْ مُّنْذِرٌ

1000

1000

1000

Digitized by srujanika@gmail.com

—  
—  
—

1000

For more information about the study, please contact Dr. John Smith at (555) 123-4567 or via email at [john.smith@researchinstitute.org](mailto:john.smith@researchinstitute.org).

52

سندن خود را از اقدام خود نگذارید و خود را بگذرانید  
خعلم سده که بینی خاور صدور این ورد خود را بدید

میر فناز صورت

سچنری دیگر نهاده بودند از جم و خاتم این طبقه قریب ۴۰ هزار دسته داشتند و در آن  
حصصه ای از برخی افرادی که قدری قلم و قوچه از این طبقه داشتند و در آنها نیز میتوان  
شنبه ای را نهاده باشند و اینها نیز در اینجا میتوانند خود را در سایر طبقه هایی که در آنها  
نمایند از قریب ۲۰ هزار تا ۳۰ هزار دسته داشتند



مِنْ قَدْرَاتِكَ الْأَكْبَرَ فَلَا يَقُولُ لَكُمْ إِذَا  
أَتَيْتُكُمْ مِنْ كُلِّ مُهِمَّةٍ إِلَّا قَدْ أَنْجَيْتُكُمْ مِنْ  
مِنْ قَدْرَاتِكَ الْأَكْبَرَ فَلَا يَقُولُ لَكُمْ إِذَا  
أَتَيْتُكُمْ مِنْ كُلِّ مُهِمَّةٍ إِلَّا قَدْ أَنْجَيْتُكُمْ مِنْ

معنی اکار	فقط سریع	فقط انتظاب	فقط درمکی
۹۰۰	۱۰۴۰	۱۰۰۰	۸۰۰

一一

دوشنبه و دوشنبه  
سیمای خانه

اعلو او راده ۵۵

سید کاظم طباطبائی صورت نشانید و نزد  
شنبه با خود را در این مکان اخراج نموده اند و اینجا مانع عالیاند از ازدرو  
محکم و متفقون نهادند این بیرون فردیت مذکور را نهادند (جی)  
ظاهراً درین دنیا برای کرد و شاید بگذر و کوک خواران نام  
اینها





چهارمین بار از خانه را خواسته هدایت و نفی خداوند نزد و نفیه از ندان مهار فات و لایه  
که اتفاق شرک داده بیله ۲۴۰۰ هنگام خود را از ندان که با خود را بخشیده ایشان خود را نهاده  
بند چه اینه زدن هاکی برخواه اینه زدن هاکی برخواه اینه زدن هاکی برخواه اینه زدن هاکی  
برخواه اینه زدن هاکی برخواه اینه زدن هاکی برخواه اینه زدن هاکی برخواه اینه زدن هاکی  
خرانه هنریه در بیان و ذهن صور پذیر که برخواه اینه زدن هاکی برخواه اینه زدن هاکی

جاه

۱۷۱۰

میل عده فریاد موقری طویله اغیجه ایکنیه میوه فیضیان فیضیان فیضیان فیضیان  
۲۹۶ ۲۸۰ ۲۸۲ ۲۸۴ ۲۸۶ ۲۸۸ ۲۸۹ ۲۹۰ ۲۹۱ ۲۹۲ ۲۹۳ ۲۹۴ ۲۹۵ ۲۹۶ ۲۹۷ ۲۹۸ ۲۹۹  
فیضیان فیضیان فیضیان فیضیان فیضیان فیضیان فیضیان فیضیان فیضیان فیضیان  
۴۴۰ ۴۴۱ ۴۴۲ ۴۴۳ ۴۴۴ ۴۴۵ ۴۴۶ ۴۴۷ ۴۴۸ ۴۴۹ ۴۴۰ ۴۴۱ ۴۴۲ ۴۴۳ ۴۴۴ ۴۴۵ ۴۴۶ ۴۴۷ ۴۴۸ ۴۴۹  
پیش این عده قردم هارمه میوه سه نان بخورد و با اینه عده میوه  
۱۵۰ ۱۵۱ ۱۵۲ ۱۵۳ ۱۵۴ ۱۵۵ ۱۵۶ ۱۵۷ ۱۵۸ ۱۵۹ ۱۶۰ ۱۶۱ ۱۶۲ ۱۶۳ ۱۶۴ ۱۶۵ ۱۶۶ ۱۶۷ ۱۶۸ ۱۶۹  
کشیده بستان بکشیده بستان تسبیح و حافظ اکبر سه فسیله

۱۷۰۰-۰ ۱۷۱۰ ۱۷۲۰ ۱۷۳۰ ۱۷۴۰ ۱۷۵۰ ۱۷۶۰ ۱۷۷۰ ۱۷۸۰ ۱۷۹۰ ۱۸۰۰ ۱۸۱۰ ۱۸۲۰ ۱۸۳۰ ۱۸۴۰ ۱۸۵۰ ۱۸۶۰ ۱۸۷۰ ۱۸۸۰ ۱۸۹۰ ۱۹۰۰

$\frac{1}{6} \cdot 20$

مصرف العون ساندز ورثوكس ساندز غالاني وشادلمن ساندز هار  
وقت اخليه باليه زهار ساندز ساندز ساندز ساندز ساندز ساندز ساندز ساندز

بیانیه حاصله ای بیانیه حاصله ای بیانیه حاصله ای بیانیه حاصله ای بیانیه حاصله ای

مکالمہ دار ابراهیم	مشکل دلچسپ	مشکل دلچسپ	مشکل دلچسپ
۲۰۱۴	داری	داری	داری
مکالمہ	مشکل دلچسپ	مشکل دلچسپ	مشکل دلچسپ
۲۰۱۴	۲۰۱۴	۲۰۱۴	۲۰۱۴

وَجَادَهُ رَاجِعًا قَاتِلَهُ وَسَارَهُ دَرْكَهُ الْمَلِيٰ وَنَفَّ كَلْبٍ بِأَنْتَافِهِ وَصَاصٍ بِأَنْتَافِهِ

مکالمہ مکمل	مکالمہ مکمل	مکالمہ مکمل	مکالمہ مکمل
۸۶	۸۷	۸۸	۸۹
حاصیلہ	حاصیلہ	حاصیلہ	حاصیلہ
خاصلہ	خاصلہ	خاصلہ	خاصلہ

وَفَارِدُوا مَعَ الْمُتَّقِينَ فَرَبِّكَمْ مُهَمَّدٌ وَالْأَغْنَى لَكُمْ  
وَلَهُ عَلِيٌّ مُحَمَّدٌ وَلَهُ عَلِيٌّ مُحَمَّدٌ وَلَهُ عَلِيٌّ مُحَمَّدٌ

١٨٦٦ مطاب خاصي ٢٠٤٤ مطاب خاصي ١٩٤٣ شادي

مکررہ - مانع قاش  
مکررہ - مانع قاش  
مکررہ - مانع قاش

١٢٥	سازمان اسناد و کتابخانه ملی	سازمان اسناد و کتابخانه ملی	سازمان اسناد و کتابخانه ملی
١٢٦	سازمان اسناد و کتابخانه ملی	سازمان اسناد و کتابخانه ملی	سازمان اسناد و کتابخانه ملی
١٢٧	سازمان اسناد و کتابخانه ملی	سازمان اسناد و کتابخانه ملی	سازمان اسناد و کتابخانه ملی
١٢٨	سازمان اسناد و کتابخانه ملی	سازمان اسناد و کتابخانه ملی	سازمان اسناد و کتابخانه ملی

٤٧٤	مُؤْلِفُ مُهَاجِرَاتِ	مُؤْلِفُ مُهَاجِرَاتِ	مُؤْلِفُ مُهَاجِرَاتِ
	مُؤْلِفُ مُهَاجِرَاتِ	مُؤْلِفُ مُهَاجِرَاتِ	مُؤْلِفُ مُهَاجِرَاتِ
	مُؤْلِفُ مُهَاجِرَاتِ	مُؤْلِفُ مُهَاجِرَاتِ	مُؤْلِفُ مُهَاجِرَاتِ
	مُؤْلِفُ مُهَاجِرَاتِ	مُؤْلِفُ مُهَاجِرَاتِ	مُؤْلِفُ مُهَاجِرَاتِ
	مُؤْلِفُ مُهَاجِرَاتِ	مُؤْلِفُ مُهَاجِرَاتِ	مُؤْلِفُ مُهَاجِرَاتِ

نوروز ۱۳۹۰ خرداد ۱۴ اردیبهشت ۱۳۹۰ خرداد ۱۳۹۰ خرداد ۱۳۹۰ خرداد

کرسنچ کار داری	فرانکلین اسوسی	ویلیام بی اسکات
مارک	مارک	مارک
کارل	کارل	کارل

١٤ ماضی  
و وکیل شریعت  
و سکایانه باغ  
و سکایانه اوقیانوس  
و کنگره اسلامی  
کنگره دولتی  
سازمان  
سازمان قدر

مَارِكُو حَاصِلْتَهُ مَارِكُو حَاصِلْتَهُ مَارِكُو حَاصِلْتَهُ  
مَارِكُو حَاصِلْتَهُ مَارِكُو حَاصِلْتَهُ مَارِكُو حَاصِلْتَهُ

مکانیکی این محدودیتی نداشته باشد که در اینجا مذکور شده است. از این‌جا پس می‌توانیم بگوییم که این محدودیتی در اینجا مذکور شده است. از این‌جا پس می‌توانیم بگوییم که این محدودیتی در اینجا مذکور شده است.

١٣٦٥ ماضلا ماضلا ماضلا ماضلا  
١٣٦٦ ماضلا ماضلا ماضلا ماضلا  
١٣٦٧ ماضلا ماضلا ماضلا ماضلا

८५४-८६८  
गुरु गुरु गुरु  
गुरु गुरु गुरु

—  
—  
—



25

انطالية و دفع عواقبني و تغافل و ظيفة أمعندة يد اوط رتوبيته مترن نكوت في برق  
بابي محمد فوت ادولب تو ليت زبوره خلول اول خلور طرف و اتف عال الدام ابراد فضله  
ايرادن سقطه اتفا سندوره تغير و احادي لوان تو ليت زبوره متوفى كخبورلا  
مخلو لدنن اصل طبره اولا شهري زاده ارباب اسحقا قدن بسبوع اتف توقيع فتح الان  
قدره الامانش والاقرائ علها زيدقدره يه توبيه و ميدنه برات عاليه هم و مركوك رحاته  
شكه حجه سپه شهري تصرفي دستور حكم منزه مفتخرا نظما العالم وزريم السید حجه بان  
ادام العلاقه ابطال العرض ابتلوكه و تضرم بورك و ظيفه امعندة يد اوط رتوبيه ادار  
واقفدهن ابو بكر احمد و محمد بن ابي ابي عاصي هنكل بيكوس طفت طقوز تاركينه طارزه  
ادولب عرضه مذكور جابر طهه توجيهه اند تغافل قيده بولمنديه دركت ادم تغافل  
مرقومون نکل بلا دلوقه تو تکرار و اداره اتف بالكلية منق من ارش ايسه طرطيله و سجحه  
مخلو لدنن توجيه اولماني فرام اولماني عصمه مزید عنایت باو شاهن هنهو و کوتوره  
بیکل ایکبور اوزرسه سکه ریچه الدین هنک بکریه کوئی تارکینه سورخ دیر بالدوں حابیه  
سوجیه بورات هنارونه دیره دیبور دلکه مونی الي عاشن زیدقدره اداره اولوب متوهای  
مرقوک مخلو لدنن طرطیز بورا دزره تو ليت مذکوره مترن اولوب طفيفه معینه سکه ریچه  
يتصفح سرمی دلکه دلکه تصرفيه بدنده اول متوهی اولندر و ظيفه امعنده سکه ریچه  
متصرف اوله کلکتیکن موئي الهدی دی او لوهمه و ظيفه امعنده سکه ریچه اموریه شکهه افند  
الوب متصرف اولوب اشبورات تزیف هایت منه مقایر توپی اموریه شکهه افند  
هزاصا بلوپ دخی و تشریف تکمیل اشبور بدل اسلام تزیف اصحابه تکمیل اکرامیه  
اسایع لاصغرین من نه ریچه الدال لسته نانین و مائین والق تردیه این مکعبه

72

دستور نکه مترن شهدا العالم مد رامد المحبور بالهرکان قبتم هما الاما بارا) السائبانيه  
الدوله والان قال شنیده کان السعاده والا جله المحفوظ بتصوف عطا طعن المکان الاصله  
شكه حجه سپه شهري مترن وزیر السید حجه حجه باش ادا الله شتا ابطال و قدره الفضا  
والکام محن الفضله والکلام نوان اطيابه نهضیه بزرنده توقيع فتح عاليه  
و اهلل لیجن معلم او لا کرجوا جلداریون هنارونه سایقاد رکاه سلطان جبهه جید  
لکنی تقدة الاما ماجد والا عیانه علی زیدجیه نکل ایکبور زورت سده سنه محربا و درجه  
الزنا عمهه سنه اولوب اداره سکه تکه لی سونی بکر باش و فرنداشی حاجی طهه و زیده  
و احال ایشان دلخی خصه الوه حمید مقاطعه هی بدی الزمانه هزار شلیه تصویون طقوز  
بیکل بکری دورت هزوی الاجعی اوله بیکنی بوند نندیه ادعا نکدن تانی بآسا فیقولی  
نه میده سیده بیری کانیه حضور نه لهی الزمانه مق طلب ایشانه و سنه قوه مجهه  
ستونی هر قوم عالیه هر ضبط و ما صلحتن سعفونی اویا سبله هر زوره اوت طقوز بیکل  
بوقه رخونی بالدفاتر لدی المطالبه و فت و سعنه ایشانه دیلویت و لعلی ایلام ار  
وقت ایده دی قبیل الادا دافت ایله کده با گلوره ملائق او غلوره هم ضبط ایله کده فرمه  
ری طلوب ایله کده سیعه هر یوره دینی اوله بیکنی اوله ایله کده سده ایله کده فامش  
او لکنی بریزی خوشی ایله ایله کی هارزی خوده اعلاه او لکنی بیکنی ایله کده قاعده  
مربعه بیری اوزره بارا راه حلیده بیکل عرضی تشریف ایله معاونه اوت سکن بیکل  
دورت هزوی مقتول هر یوره مقتول هر یوره کلها شدت سعنه ایله و برملکه دزره هنپوره سنا همراه  
او اسطوره الارزنه یدیه صورت و برلشیه شهري موئي الهدی بروج سعوره مطلع  
او کل ایله هر یوره کل مقتول هر یوره کل مختل ادلا دغا شدت حواله ایله بیکنی باسته و مک  
وزریه راییس سکانه با تعلیم هم اصدار او لکنی با تقدیره استه ایله  
نکنی قیوده مراجعت و مقتنتن سی سکون اولنده قده موئي الهدی هزار شریل قصور  
سلطانی اولیه اون سکنی بکری دورت هزوی ایله مقتول هر یوره مختل هر یوره  
حوله ایله شد اراده او لوزه ایله دریانه صورت اغزو طفاله حفظه اولنده ری ایله  
و معرفه از عله مقتول هر یوره قدره ایله مختل هر یوره ایله بقا یاره تزدیز ایله  
ری ایله طفه شکهه ایله با پنهانه سکانه خلیه با اینزیع ایله همی افتت ایله  
درکن دی تقدیره لدره ایله عرض بروج هنکهه نهجمه اماره علهه ایله  
و کنه بزرل بل هنک ایله کفر فرام ایله خورد حاصهه اشبور فرام اهدار دصهه ایله

### وفیه معدلا بها

بیکل هر یوره ایله هزار شریل هنکهه او فانکه مصروفه بیکل ایله اوده لکه عذری  
خشیه بایکه بکلکن ایله هزار شریل هنکهه بیکل هر یوره ایله پاشی سکر او بعده و بجز  
و فانکه که کنند کلکه قیونکه مصلعه ترا بکر دا ایله ۵۰ و صد و دوکنه  
اقیمه مکتب ضداده لرها فی ۴۰۰ آبک یوره ایله هزار شریل هنکهه ایله  
کلکه قیونکه هر یوره کلکه دخایکونه فی ۱۰۰ و دیکه ملرده شخی سنا همراه  
و هنکهه فی ۲۰۰ و سهی هر یوره کلکه دخایکونه فی ۵۰ او دل راهیه ایله هزار شریل هنکهه  
وارد طان فرانه ایله ۵۰ و ترلیت ۱ تیزه ۵۰ و فقرا ایجهه هر یوره اویه هزار  
کلکه قیونکه ایله هزار شریل هنکهه و خرچ معدله دل ایله ۱۰۰ و خرچ معدله دل ایله ۱۰۰  
کلکه قیونکه در کانه هی دکانند صاحله ایله کلکه قیونکه صد و اوله و بند او فانکه  
میکلکن اویه هنکهه بازنه هر یوره دل ایله و هر یوره بیکل هر یوره فلکهه  
ایله شد من قیاره کن ایله هنکهه مسکو اویه پاشیه مایمه و مالا متوهی هایلی  
مسکه دشنه مختصل و قیونکه بو ایجهه قلنهه واخر حکم ایله ۹۹۰

قدوة الامان و الا فرقان على زید تقدره ميما شفني ايدي رساله او يخدر ايدي و مولده كي ثبت  
منطق قاهر بغير نون مطوب مك او له فقه بالاده خبر و بيتا و لذيفي و بهد موى اليه يلغي عزاز  
تغزيل مقصود سلطوي اولا مبلغ طب راون سكربيك يلقي دوت خوشني اتفها راي  
و هم هنک در سرت عزله هضفل هر قو ملک تفصيل دلتهنقة اول باقیا و ده فاتحه افرازه می زن  
سلیمان در سعاده مارسال و موى ايده تلهم اندیزی خصوص صرف کل مكت ابيده مسن و کلی  
قافی موى اليه مسن سند في موجب ام نزیله علی در حركت ايلکل بايد هنک بايد هنک فرامانه می زن  
ار لشند بیدر ده کمک نزیله علی در و قده بیدر باید و همسزی اوزه شرفا فنه صدر  
اول آن شهاده ام نزیف عاليث نکو مخصوص شفني في المقام اداره منور بدینه علام  
شرفیه اعشار قیده نکراری في العد ایه مسن شفمن نزه بیع الماق لسته ثنانیون و کلیان و الف  
هدو صل ایه می زن

و ستر کم میز نفع نتفا العالم بدر اسره طهور بالطرافت في شفمن ایه مسن ایه بارلی الصاب مینه العده

والایه شنیدر كان سعاده والاجلاں المعنون بصنف عطا الملک الاعلاج کانه می زن

شفن و زیر آن شدحه ده و حده پا اداه الله عاجل مقدمه افقهه والکانه محظوظ

والکانه موله نا انتظاریه ضئیی نزیده نفع ففع هیون و اهل اینجع معلم اول اکنجه

او غلاریک انتظاریه ده بحسب ده ایه مسن ایه مسن ایه مسن ایه مسن ایه مسن

ایه ایه کمک صرافی بلطفه نا زمیل بودن اقم در سعاده اعضا در لشند ده فخری ایه مسن

یکی ایکیز اون ایه مسن دن بکی طفورد سسه الحجه متعدی عاجی طرک او را ایه مسن

شمالانده واقع اول ایه دار و ایه ایه ایه می زن بکی طفورد بکی طفورد بکی طفورد بکی طفورد

اسک شیریک طفورد بکی طفورد بکی طفورد بکی طفورد بکی طفورد بکی طفورد بکی طفورد بکی طفورد

المنش درت بکی خوش باله او لمیغذین ماعلا ایه ایه ایه ایه ایه ایه ایه ایه ایه ایه ایه

نامعده ایه دکی افاده ایه دکی ایه دکی ایه دکی ایه دکی ایه دکی ایه دکی ایه دکی

میری باد است سنه دل تقدیک ایه دکی ایه دکی ایه دکی ایه دکی ایه دکی ایه دکی ایه دکی

ایه ایه

امک شرط طبله سبیلی کلیه لمحی خصوصه اراده شاهانه تعقیل بکی دن بکی دن بکی دن

هر سه ملکه دسته داده قاری بیل شن بور تخصیص و ضریح ایه علامه ارسالی

بابیه عدهه فریده ام زنیه در شنیده الماءه هنمه سمع ظانی ایه دیگر ایه دیگر

نقسم ایه دیگر بر قوه عریم مفرونه بی مسوأ قور باید میری باد استه متده لوزه

بسیه شن بور کل تا ذی کی انتظاریه بعض هنک دسته دسته ده بکی ده بکی ده بکی ده

او لکه میانه ملوهه دکی تخصیصه تهه ایه دکی دکی دکی دکی دکی دکی دکی دکی دکی دکی

خاده بیجیت طور کرد طبله دار ایه ایه ایه ایه ایه ایه ایه ایه ایه ایه ایه ایه ایه

او لقی لوزهه سنکی ده زن رفت رایه مسن سکه خلی بی ایه شریم صدر دینی بکی خوش را استه

طبله بکی با غیره دلیلی الماق سهور کل سبیلی تکیه سید اعاده اندیش دلیلیه دلیلیه

الکی کیس دنیا کی ایه کی ایه کی ایه کی ایه کی ایه کی ایه کی ایه کی ایه کی ایه کی

هر سه شیه ایه دکی خاصه ایه دکی خاصه ایه دکی خاصه ایه دکی خاصه ایه دکی

فر دنیه برد هر سه ملکه شن ایه دکی بکی دکی دکی دکی دکی دکی دکی دکی دکی دکی

و سولنه برد هر سه ملکه شن ایه دکی بکی دکی دکی دکی دکی دکی دکی دکی دکی دکی

تقطیر بور ره بعض کشند متده ده اول طبله هر دن ایه ایه ایه ایه ایه ایه ایه

طبله بکی بکی بکی بکی بکی بکی بکی بکی بکی بکی بکی بکی بکی بکی بکی بکی بکی

صلی بصلی 
و بی بکی بکی بکی بکی بکی بکی بکی بکی بکی بکی بکی بکی بکی بکی بکی بکی بکی

اور زنده دجه شریفه ایه دکی دکی دکی دکی دکی دکی دکی دکی دکی دکی دکی دکی دکی

فر دنیه دنیه دنیه دنیه دنیه دنیه دنیه دنیه دنیه دنیه دنیه دنیه دنیه دنیه دنیه

دندان دندان دندان دندان دندان دندان دندان دندان دندان دندان دندان دندان دندان

دسته کم شنیم نتفا العالم جهه مد بر موشهه بارلی العاده بارلی العاده بارلی العاده

الدلهه و ملایی شنیده ایه السعاده والیکه المعنون بصنف عطا الملکه ایه کانهه صیدهه

شفن و زیر آن شیدهه صیدهه ایه الدسته ایه لامه نداده المعنون بکی دکی دکی دکی دکی

مولانا انتظاریه ضئیی نزیده ضئیی و قدمه لاما مصلیه ایه دکی دکی دکی دکی دکی

او بی بنده دن بار شنیه کیه بکی دکی 
پیون و اهل اینجع ملکه ایه دکی دکی دکی دکی دکی دکی دکی دکی دکی دکی دکی دکی

کیه کیه کیه کیه کیه کیه کیه کیه کیه کیه کیه کیه کیه کیه کیه کیه کیه کیه

دغه دغه دغه دغه دغه دغه دغه دغه دغه دغه دغه دغه دغه دغه دغه دغه دغه دغه دغه دغه

و فرندلور دن نایان و هر زن مرسمه ده ضئیی دار لجه ده ایه دکی دکی دکی دکی دکی

و فرندلور دن نایان و هر زن مرسمه ده ضئیی دار لجه ده ایه دکی دکی دکی دکی دکی

او بی بنده دن بار شنیه کیه بکی دکی 
شندو هنک ده کارهه ده ضئیی ده ضئیی ده ضئیی ده ضئیی ده ضئیی ده ضئیی ده ضئیی

در بی بنده دن بار شنیه کیه بکی دکی 
اچه دسته ایه دکی دکی دکی دکی دکی دکی دکی دکی دکی دکی دکی دکی دکی دکی دکی

او بی بنده دن بار شنیه کیه بکی دکی 
خندو هنک ده کارهه ده ضئیی ده ضئیی ده ضئیی ده ضئیی ده ضئیی ده ضئیی ده ضئیی

او بی بنده دن بار شنیه کیه بکی دکی 
خندو هنک ده کارهه ده ضئیی ده ضئیی ده ضئیی ده ضئیی ده ضئیی ده ضئیی ده ضئیی

او بی بنده دن بار شنیه کیه بکی دکی 
خندو هنک ده کارهه ده ضئیی ده ضئیی ده ضئیی ده ضئیی ده ضئیی ده ضئیی ده ضئیی

او بی بنده دن بار شنیه کیه بکی دکی 
خندو هنک ده کارهه ده ضئیی ده ضئیی ده ضئیی ده ضئیی ده ضئیی ده ضئیی ده ضئیی

او بی بنده دن بار شنیه کیه بکی دکی 
خندو هنک ده کارهه ده ضئیی ده ضئیی ده ضئیی ده ضئیی ده ضئیی ده ضئیی ده ضئیی

او بی بنده دن بار شنیه کیه بکی دکی 
خندو هنک ده کارهه ده ضئیی ده ضئیی ده ضئیی ده ضئیی ده ضئیی ده ضئیی ده ضئیی



28

نحوه مذکور است خصوصاً این که بجهاد نزدیک به فتح استادی و ایشان  
بعدها چو بدل داشتی احمد را که وظیفه رئیسیک تغیری  
در زمان کنید بدل تهدید دیواری نظر  
فقط

طولاً معاً معاً

پاره گاهان برخی از اینها نشان دادند و بازیگران  
و قصه‌گذاران خود را تقدیر می‌کردند اما این  
نهاد در ایران اینقدر کارهای خوب  
نمی‌کرد.  
**اسلام**  
مدد ۹۵

مدد ۹۵

نمایم فرموده و از این برجسته طعن نشانه نهادند شنی و کلی  
آنها را مانع ادلوپ نمایند تا بخیر خود بیوپ باقی ایکسیکت چو بیده  
در زمان پروردگاری را تصعیت از زره یکدیگر

مکی عزومہ دیوار کردار یا طائفہ دینہ میں  
اوٹا دیوار نوں جدید طالعہ تجدید کی

مودودی

ذکر خصائصی بر جهت محتوى این قله دیوارهای ساخته شده در بیان آنها  
نمایم اما لایه دیوار کوئنث طبیعی صدیقه و نشانی موجود اولورت  
ناصاف خیلی بزرگ دیوار اثاثی

وَجْهَةَ قَدَّارِيَّةٍ تَلَهُ  
وَجْهَيْنِ اَنْتَ سَيِّدُ  
ۖ مَهْبَلًا مَهْبَلًا

قبوی مذکور را خلی علی پاش سرتیپ نا کھلی و از لایه  
دبور بالا کمی مینهدم ادغام کردید طاشنده بچشم  
تممه و دیواری تغیری

مطلاً مفهوماً ومتقدماً

حضرت ناصر پیرز میمند حق تعالیٰ اور قدر مدار  
کافی چشمی ام اندھہ بعضاً نصف نشانی  
و ضعیف در رنجیده ہی  
مذکور

卷之三

شیوه دارالخلافی با میزبان رنگ و چکر خشم طاشرا برید  
و این داده ای اماراتی نظر آجیون دفعه اول و بعده  
نهضه اندیشی کنیم و در تسویه سیاست انتخاب کنیم  
تسویه در درستی

می شنکنی تکمیلی اینقدر و نیز بزرگی اتفاق  
که در اولین مکمل دوچند بخواهیم آن را نهاده نمی‌شود

بایه  
طاهه  
تامهه  
لایه  
جوده کوردن همراهی صفتی این قویانی را  
که مکنده بجهود خود درست نمایند و تقدیر و باری  
طاهه - ۲۲ -

— 1 —

سیلی از مردمان حصار پیش از باخته تدریجی ذرا عتمدی  
و نظری کو زیر چاهند و سلطه کوری مخفی چند بایضه و مطر  
و سنت و راث اخا خفت طبا اندی و چاند راغا خفت

برچ نزدیک براسته اند و از نویسندگانی که می‌نویسند اینها اند:

ملکه نشانه نگو و ده تلهه دیداری بر مقدار شفتم  
 کوه بیرونی همچنان دست و افسوس گیری موصوف  
 دیگر میخانه ای که در کاخ این فرموده خواهد  
 بگردان تاکه دیدار دیداری این قدر میگذرد  
 ملکه نشانه نگو و ده تلهه دیداری بر مقدار شفتم  
 کوه بیرونی همچنان دست و افسوس گیری موصوف  
 دیگر میخانه ای که در کاخ این فرموده خواهد  
 بگردان تاکه دیدار دیداری این قدر میگذرد  
 ملکه نشانه نگو و ده تلهه دیداری بر مقدار شفتم  
 کوه بیرونی همچنان دست و افسوس گیری موصوف  
 دیگر میخانه ای که در کاخ این فرموده خواهد  
 بگردان تاکه دیدار دیداری این قدر میگذرد  
 ملکه نشانه نگو و ده تلهه دیداری بر مقدار شفتم  
 کوه بیرونی همچنان دست و افسوس گیری موصوف  
 دیگر میخانه ای که در کاخ این فرموده خواهد  
 بگردان تاکه دیدار دیداری این قدر میگذرد  
 ملکه نشانه نگو و ده تلهه دیداری بر مقدار شفتم  
 کوه بیرونی همچنان دست و افسوس گیری موصوف  
 دیگر میخانه ای که در کاخ این فرموده خواهد  
 بگردان تاکه دیدار دیداری این قدر میگذرد

مَعْنَى الْمُقْتَلَ

فَلَمْ يَرْجِعُوا إِذْ أُولَئِكُنْ تَرَكُوكُنْ لَهُمْ بَلْ  
بَلْ كَمْ لَدُنْ الْأَنْتَنْ لَهُمْ بَلْ كَمْ لَدُنْ الْأَنْتَنْ لَهُمْ  
وَلَمْ يَرْجِعُوا إِذْ أُولَئِكُنْ تَرَكُوكُنْ لَهُمْ بَلْ  
لَيْكِيْهِ دَدْرَزْ كَيْرَيْهِ دَدْرَزْ كَيْرَيْهِ

پور ختمی بروی اینها لذت گشتن و زدن باشد و اینها  
فقط چند دفعه از آنها را میتوانند تا خود را بغضه کنند

بریز مکانیست و در این قبیل کارهای اولین داده اند سکر  
نگاری و پیشگیری از خودکشی و بروز اضطرابات میان افراد  
موقوف تقدیم شده و تصور و تصریح شنیدن خانواده های موروث  
و میتواند از این دستوری در اینجا نظر گیری کرد که برخواهد  
اللت آنها را کم کنند و این اتفاقات را که اینها داشته اند باید  
۶۹ تقدیر قدری ایشان را داشت



بخطه سفیر بقیه و بنیه میان محکم سده داعیه بطریف ز علی افسر فرزت علی افسر فیضیه و بیر طرفیز  
بو صلطان بزرگ بقیه و بیر طرفیز بهمی صیرن علی بقیه و بیر طرفیز هنر علی عالمی محمد و بیر طرفیز  
و بنیه میان نکوند کور واقع بطریف ز مندوش بقیه و بیر طرفیز هنر علی خلیلی بقیه و بیر طرفیز  
نادر و خلیلی بقیه و بیر طرفیز هنر علی خلیلی بقیه و بیر طرفیز هنر علی خلیلی بقیه و بیر طرفیز  
محمد و ادعیه بطریف ز مندوش بقیه و بیر طرفیز هنر علی خلیلی بقیه و بیر طرفیز هنر علی خلیلی بقیه  
بیکیه و ادعیه بطریف ز مندوش بقیه و بیر طرفیز هنر علی خلیلی بقیه و بیر طرفیز هنر علی خلیلی بقیه  
حریج و بیر طرفیز هنر علی خلیلی بقیه و بیر طرفیز هنر علی خلیلی بقیه و بیر طرفیز هنر علی خلیلی بقیه  
منشیه سفیر بقیه و بنیه شریعته صراحتی هنر علی خلیلی بقیه و بیر طرفیز هنر علی خلیلی بقیه  
و بیر طرفیز هنر علی خلیلی بقیه و بیر طرفیز هنر علی خلیلی بقیه و بیر طرفیز هنر علی خلیلی بقیه  
بزفده بقیه و بنیه کور فوطزم مکده و ادعیه بطریف ز مندوش بقیه و بیر طرفیز هنر علی خلیلی بقیه  
صراحت و خلیلی بقیه و بیر طرفیز هنر علی خلیلی بقیه و بیر طرفیز هنر علی خلیلی بقیه و بیر طرفیز هنر علی خلیلی بقیه  
بیر طرفیز هنر علی خلیلی بقیه و بیر طرفیز هنر علی خلیلی بقیه و بیر طرفیز هنر علی خلیلی بقیه  
و بیر طرفیز هنر علی خلیلی بقیه و بیر طرفیز هنر علی خلیلی بقیه و بیر طرفیز هنر علی خلیلی بقیه  
بنیه و بیر طرفیز هنر علی خلیلی بقیه و بیر طرفیز هنر علی خلیلی بقیه و بیر طرفیز هنر علی خلیلی بقیه  
محود و بیکیه اولاً اوله برش عرضش ایجاد فتشنه شده و بنیه کران اونکن مکده و ادعیه بطریف ز مندوش بقیه  
و ادعیه بطریف ز مندوش علی بقیه و بیر طرفیز هنر علی خلیلی بقیه و بیر طرفیز هنر علی خلیلی بقیه  
منشیه سفیر بقیه و بنیه کران اونکن محکم سده داعیه بطریف ز مندوش بقیه و بیر طرفیز هنر علی خلیلی بقیه  
طریفون هفتة افسر بقیه و میلانی طبقه عالم ایکن محکم و بیکیه و بیر طرفیز هنر علی خلیلی بقیه  
شایه می و بنیه کران اونکن مکده و ادعیه بطریف ز مندوش بقیه و بیر طرفیز هنر علی خلیلی بقیه  
علم هم و طوف رایی دیگران همان هفتة ایکن محکم و بیکیه و بیر طرفیز هنر علی خلیلی بقیه  
بر طرفیز هنر افسر اد غلیلی بقیه و بیر طرفیز هنر ایونکن محکم سده داعیه بطریف ز مندوش بقیه  
بزفده سفیر بقیه و بنیه قیوتو طبیعته شده و ادعیه بطریف ز مندوش بقیه و بیر طرفیز هنر علی خلیلی بقیه  
و بیر طرفیز هنر ایجا رامنند شایه می و میلانی صرف و کشتاره بقیه و اولان یکی برش عزیز شریعته  
اوکن مکده و ادعیه ایناره بقیه و بیر طرفیز هنر علی خلیلی بقیه و اولان یکی برش شیوه  
فرغ علوش ایجا رامنند شایه می و بینه قیوتو طبیعته شده و ادعیه بطریف ز مندوش قی مکده و  
اونان بقیه و بیر طرفیز هنر علی خلیلی بقیه و طرقیتی ترا لایزون ایکن محکم و دستگار فطمی عویی و پیش  
فریم نم مکده و ادعیه جلا ایکن محکم و سفقل فطمی بقیه و بیر طرفیز هنر علی خلیلی بقیه  
بنیه و رتفقی قاع هفتاد ایکن محکم و سفقل فطمی بقیه و بینه قیوتو طبیعته شده و ادعیه  
بر طرفیز هنر افسر اد غلیلی بقیه و بیر طرفیز هنر علی خلیلی بقیه و بیر طرفیز هنر علی خلیلی بقیه  
بر طرفیز هنر علی خلیلی بقیه و بیر طرفیز هنر علی خلیلی بقیه و بینه کران اوکن مکده و ادعیه  
ترلا و بیر طرفیز هنر علی خلیلی بقیه و بینه کران اوکن مکده و ادعیه  
بر طرفیز هنر افسر اد غلیلی بقیه و بیر طرفیز هنر علی خلیلی بقیه و بینه کران اوکن مکده و ادعیه  
بر طرفیز هنر علی خلیلی بقیه و بیر طرفیز هنر علی خلیلی بقیه و بینه کران اوکن مکده و ادعیه  
بنیه سید کرد و دستگار بقیه و بیر طرفیز هنر علی خلیلی بقیه و بینه کران اوکن مکده و ادعیه  
بنیه سید کرد و دیگران ایاهیه ایکن محکم و دستگار فطمی بقیه و بینه کران اوکن مکده و ادعیه  
نزان پنجه ایکن محکم و دستگار فطمی بقیه و بینه کران اوکن مکده و ادعیه  
محمد و ادعیه بطریف ز فلم قوسی و خدا کور و بیر طرفیز هنر علی خلیلی بقیه و بینه کران اوکن مکده و

28

و بنی ملک بن زموده و افعی بر قرآن فخر اطراف این سلطنه والان این بگور رفته تغزیه خواهیں مبنی ملک

شکر و آب پر باز پر از میان خود را بردازد و طفین باز پر کارهای بزرگ را که در سقوط قلعه بودند  
و پنهان کنند و از چشم خود خود را خود خواهند دیدند و میتوانند کارهای این طبقه را بردازند

او را بگوید و بزیره خود میگذرد و هر چند این مکان را باز نمایند، اما همچنانکه در مورد دیگر موارد،  
بنده سرمه و سوچه را همچنانه باز ننمایم و اتفاق برخواهد که مادران این جهاد را در پیش قدم  
نمایند و اینها از این اتفاق بخوبی انتظار نمایند. این بحث را در حضرت مأمور اینجا میگذراند و  
آنرا در آنجا میگذراند و اینها از این اتفاق بخوبی انتظار نمایند.

و بیان از مکانیزم حالت چشمی در میان این دو مکانیزم می‌باشد که در این مکانیزم  
برخلاف مکانیزم خالق و بیان از مکانیزم طاعنندگان و برخلاف مکانیزم خالق به کوادرات مکانیزم  
مشترک باشند و از این مکانیزم بعضاً در متفاوتی از مکانیزم خالق و متفاوت از مکانیزم خالق باشند و متفاوت از مکانیزم خالق باشند

دلاخانه و در برابر خود را پیش از میانه داشتند که با خود را در چشم خود نگاه می کردند و این خود را برای دنکان و می خواستند  
آنچه نزدیک به خود بودند را بخوبی اخوند و دلاخانه و دلخانه فرمودند و این خود را برای دنکان بخوبی داشتند

آن همچنان میگویند که بعدها اینکه باز پسران و دختران نمود رفته باز و پنهان شده و خود را  
اوایل از اینها مطلع نمایند تا خود را در آنها بخواهند و این را در درون از اینها میگذرانند

و زلزله از برخیت و راه باری طولانی ام و خود بسیار میگردید و پس از مدتی شروع شد و در لایه های عرضی از زمین

این بود در زمان از دکتر روحانی و همچنان در دوره نوزدهم احمدیه در شهر تهران باشد. است و قبلاً در زمان از پسر حسن  
اقای باب سازمان از دکتر روحانی و همچنان در دوره نوزدهم احمدیه در شهر تهران باشد. است و قبلاً در زمان از پسر حسن  
و همچنان در دوره نوزدهم احمدیه در شهر تهران باشد. است و قبلاً در زمان از پسر حسن

ویزیر خود را معرفت نموده و مینیستر امنیت ملکه را بازداشت کرد و پسر خواهر امپراتور را در زندان  
دستگیر کرد و همان روز در پاریس برای این اتفاق احتیاط می‌کردند و پسر خواهر امپراتور را در زندان  
دستگیر کرد و همان روز در پاریس برای این اتفاق احتیاط می‌کردند و پسر خواهر امپراتور را در زندان

و<sup>ه</sup>نچه باز نمایند و در طرف خود را بگیرند ساره ایلک از دادگاه خود پس از اینجا بر راه رفته و از جمیع از احتمالات سوزنی های خود را بپرسی و باشند و میتوانند قاتل را شناسد ساره ایلک از دادگاه خود پس از اینجا بر راه رفته و از جمیع احتمالات سوزنی های خود را بپرسی و باشند و میتوانند قاتل را شناسند

پریا پر دنخواه و کاخ و پرستار فائزه شاه و داعی بعله فخری هایی مثل علی بن رافع و علی بن ابی طالب و علی بن ابی حمزة

ببابکه مراجع دلخواه  
و پنیر اجدار گذشت

و بنی اسرائیل کنفره و اتفاق بر طرف زیر خوب بینی و حق و بر طرف زیر بکلکش کنم و حق و طرف بایم  
طایب و امجد و بیزیره نخست اوج باب سرایی دکانه و نخست بقار و بازار زیر داغ و بر طرف زیر  
شاد و خوش عالمانه و کمال بر طرف زیر خوب و نخست خوش و نخست بباب احمد و بباب علی و کمال  
و نخست برقا و بیاز ارج و دفع بر طرف زیر عیاری و کمال و ببر طرف زیر عیاری و کمال و ببر طرف زیر  
آف و همچو رفیق و بسریزد و هر قیچیم اید و خود و بیز عیاری و کمال و بسیم دندکور  
اسکله سده و اتفاق جمله کشمکش خوب باید و بکلکش صور اطراف آبیه مصلحه بکه قوه خامه از  
و بنی هیسمه منکور مانع سوزن و اتفاق برابک عالی و بکلکش صور بکه قوه خامه از  
و بکلکش خامه از خانه از خانه و ببر طرف زیر طریق هم و دفعه برابک عالی و بکلکش صور بکه قوه خامه از  
وبنی هیسمه منکور مانع سوزن و اتفاق برابک عالی و بکلکش صور بکه قوه خامه از  
و بکلکش خامه از خانه از خانه و ببر طرف زیر طریق هم و دفعه برابک عالی و بکلکش صور بکه قوه خامه از  
هم و منکور و ببر طرف زیر قیچیم خود و دیگرس و کمالی و نخست تیغه صدیک بکمال و اتفاق بر طرف زیر  
بال ایکد کشمکش خامه از خانه و ببر طرف زیر ایکد و کمال و ببر طرف زیر هایه ای خلصه کماله و طرف زیر ایکد  
هزار یاریه مهد و در بسیت بکور و بکماله و اتفاق بر طرف زیر هایه ای خلصه کماله و طرف زیر ایکد  
منکور و ببر طرف زیر هایه ای خلصه کماله و بکماله و بکماله و بکماله و بکماله و بکماله و بکماله  
دوخا و دوچرخه و دوچرخه فضیه عایقی که راغمات خود غایم مدنده و ببر طرف زیر دوچرخه همچشمیه ای خلصه  
فقط در بکلکش خود و بکلکش خود و بکلکش خود و بکلکش خود و بکلکش خود و بکلکش خود و بکلکش خود  
یکماله و اتفاق بر طرف زیر عیاری و کماله و ببر طرف زیر بکلکش و حقیقی و ببر طرف زیر بکلکش و حقیقی  
و بکلکش و حقیقی و بکلکش و حقیقی و بکلکش و حقیقی و بکلکش و حقیقی و بکلکش و حقیقی  
قایه شونده و اتفاق بر طرف زیر شیخ دشتر دکانه و ببر طرف زیر عیاری و بکلکش و حقیقی و ببر طرف زیر  
ضریحه عام اید و مهد و بکماله و دکمالی و بسیم اید و اتفاق بکماله و بکماله و بکماله و بکماله و بکماله  
سکنه و بکماله و بکماله و بکماله و بکماله و بکماله و بکماله و بکماله و بکماله و بکماله و بکماله  
و ببر طرف زیر عیاری و بکماله و بکماله و بکماله و بکماله و بکماله و بکماله و بکماله و بکماله و بکماله  
وست و کرپا اد کرم مهد و اتفاق بر طرف زیر بکلکش و ببر طرف زیر دکماله و دکماله و دکماله و دکماله  
و دکماله و طرف زیر بکلکش و بکماله و دکماله و دکماله و دکماله و دکماله و دکماله و دکماله  
حد و لری ای کموده و دهمتاز دلان و قدر دیگر نخوبیه و بکماله و دکماله و دکماله و دکماله  
و دکماله سایه دلان و دخدا و دهن افزای اید و حقیقی و حقیقی و حقیقی و حقیقی و حقیقی و حقیقی  
و حقیقی و حقیقی و حقیقی و حقیقی و حقیقی و حقیقی و حقیقی و حقیقی و حقیقی و حقیقی  
یا اد حم نزوح و سطیمه عان بکلکش و خان و خان و خان و خان و خان و خان و خان و خان و خان و خان  
سقفا و بکماله و سقفا و اولمه او زره بکماله و سقفا و اولمه او زره بکماله و سقفا و اولمه او زره  
بن اتفاق و ظیمه ای اید و اتفاق و ظیمه ای اید و ظیمه ای اید و اتفاق و ظیمه ای اید و اتفاق و ظیمه ای اید  
زک ایستیوس اد ایمکت شرطه بکلکش اید اول اولا و بینه ایش قیم و طبقه ای اید بکلکش  
اسنخه قدر صلحه عیت و مصلون فخر و داد عذر شرعا و اد ایمکت شرطه بکلکش اید اول اولا  
و بیوس اید بکلکش و ظیمه ای اید بکلکش و موزون اد ایکه بکلکش و عذر عذر عذر عذر عذر عذر  
بر و ح مناده و وقتی خانه هر اذار شیخ زن اید و قیمه و بکلکش و بکلکش و بکلکش و بکلکش  
تجهیز و سخن اید ای اید و بیوس اید و بکلکش و بکلکش و بکلکش و بکلکش و بکلکش و بکلکش  
سیور و سیور پاک طواتر و فرد دلخیز پاک طواتر بکلکش و بکلکش و بکلکش و بکلکش و بکلکش  
فیات ایتمه و بیوس اید اید و قیمه و بکلکش و بکلکش و بکلکش و بکلکش و بکلکش و بکلکش  
حفله ایمکت از زر عالمان و ایکه سخنا قدر فرست بکلکش و بکلکش و بکلکش و بکلکش و بکلکش  
ایم و هناظ و اثیون و فیسک و کلکش و نزون عاید اولان ایمکت بکلکش و بکلکش و بکلکش و بکلکش  
میتیتیت بکلکش و میتیتیت بکلکش که بکلکش بکلکش بکلکش و بکلکش و بکلکش و بکلکش  
و بکلکش المطاعم ده دلاب و میتیتیت بکلکش بکلکش و بکلکش و بکلکش و بکلکش و بکلکش  
و بکلکش و بکلکش و بکلکش و بکلکش و بکلکش و بکلکش و بکلکش و بکلکش و بکلکش  
و بکلکش و بکلکش و بکلکش و بکلکش و بکلکش و بکلکش و بکلکش و بکلکش و بکلکش

الله رب العالمين

محمد الوحي و سورة الطه  
عن عطية

الآدريانوس  
محمد بن سعيد الطيبي  
عنيـ

مطولاً	معتمداً	منتهى
صـ	صـ	صـ
٦٠٠	٦٠٠	٦٠٠
مـ	مـ	مـ
طـ	طـ	طـ
ـ٢٠	ـ٢٠	ـ٢٠
ـ٣٠	ـ٣٠	ـ٣٠
ـ٤٠	ـ٤٠	ـ٤٠
ـ٥٠	ـ٥٠	ـ٥٠
ـ٦٠	ـ٦٠	ـ٦٠
ـ٧٠	ـ٧٠	ـ٧٠
ـ٨٠	ـ٨٠	ـ٨٠
ـ٩٠	ـ٩٠	ـ٩٠
ـ١٠٠	ـ١٠٠	ـ١٠٠
ـ١١٠	ـ١١٠	ـ١١٠
ـ١٢٠	ـ١٢٠	ـ١٢٠
ـ١٣٠	ـ١٣٠	ـ١٣٠
ـ١٤٠	ـ١٤٠	ـ١٤٠
ـ١٥٠	ـ١٥٠	ـ١٥٠
ـ١٦٠	ـ١٦٠	ـ١٦٠
ـ١٧٠	ـ١٧٠	ـ١٧٠
ـ١٨٠	ـ١٨٠	ـ١٨٠
ـ١٩٠	ـ١٩٠	ـ١٩٠
ـ٢٠٠	ـ٢٠٠	ـ٢٠٠
ـ٢١٠	ـ٢١٠	ـ٢١٠
ـ٢٢٠	ـ٢٢٠	ـ٢٢٠
ـ٢٣٠	ـ٢٣٠	ـ٢٣٠
ـ٢٤٠	ـ٢٤٠	ـ٢٤٠
ـ٢٥٠	ـ٢٥٠	ـ٢٥٠
ـ٢٦٠	ـ٢٦٠	ـ٢٦٠
ـ٢٧٠	ـ٢٧٠	ـ٢٧٠
ـ٢٨٠	ـ٢٨٠	ـ٢٨٠
ـ٢٩٠	ـ٢٩٠	ـ٢٩٠
ـ٣٠٠	ـ٣٠٠	ـ٣٠٠
ـ٣١٠	ـ٣١٠	ـ٣١٠
ـ٣٢٠	ـ٣٢٠	ـ٣٢٠
ـ٣٣٠	ـ٣٣٠	ـ٣٣٠
ـ٣٤٠	ـ٣٤٠	ـ٣٤٠
ـ٣٥٠	ـ٣٥٠	ـ٣٥٠
ـ٣٦٠	ـ٣٦٠	ـ٣٦٠
ـ٣٧٠	ـ٣٧٠	ـ٣٧٠
ـ٣٨٠	ـ٣٨٠	ـ٣٨٠
ـ٣٩٠	ـ٣٩٠	ـ٣٩٠
ـ٤٠٠	ـ٤٠٠	ـ٤٠٠
ـ٤١٠	ـ٤١٠	ـ٤١٠
ـ٤٢٠	ـ٤٢٠	ـ٤٢٠
ـ٤٣٠	ـ٤٣٠	ـ٤٣٠
ـ٤٤٠	ـ٤٤٠	ـ٤٤٠
ـ٤٥٠	ـ٤٥٠	ـ٤٥٠
ـ٤٦٠	ـ٤٦٠	ـ٤٦٠
ـ٤٧٠	ـ٤٧٠	ـ٤٧٠
ـ٤٨٠	ـ٤٨٠	ـ٤٨٠
ـ٤٩٠	ـ٤٩٠	ـ٤٩٠
ـ٥٠٠	ـ٥٠٠	ـ٥٠٠
ـ٥١٠	ـ٥١٠	ـ٥١٠
ـ٥٢٠	ـ٥٢٠	ـ٥٢٠
ـ٥٣٠	ـ٥٣٠	ـ٥٣٠
ـ٥٤٠	ـ٥٤٠	ـ٥٤٠
ـ٥٥٠	ـ٥٥٠	ـ٥٥٠
ـ٥٦٠	ـ٥٦٠	ـ٥٦٠
ـ٥٧٠	ـ٥٧٠	ـ٥٧٠
ـ٥٨٠	ـ٥٨٠	ـ٥٨٠
ـ٥٩٠	ـ٥٩٠	ـ٥٩٠
ـ٦٠٠	ـ٦٠٠	ـ٦٠٠
ـ٦١٠	ـ٦١٠	ـ٦١٠
ـ٦٢٠	ـ٦٢٠	ـ٦٢٠
ـ٦٣٠	ـ٦٣٠	ـ٦٣٠
ـ٦٤٠	ـ٦٤٠	ـ٦٤٠
ـ٦٥٠	ـ٦٥٠	ـ٦٥٠
ـ٦٦٠	ـ٦٦٠	ـ٦٦٠
ـ٦٧٠	ـ٦٧٠	ـ٦٧٠
ـ٦٨٠	ـ٦٨٠	ـ٦٨٠
ـ٦٩٠	ـ٦٩٠	ـ٦٩٠
ـ٧٠٠	ـ٧٠٠	ـ٧٠٠
ـ٧١٠	ـ٧١٠	ـ٧١٠
ـ٧٢٠	ـ٧٢٠	ـ٧٢٠
ـ٧٣٠	ـ٧٣٠	ـ٧٣٠
ـ٧٤٠	ـ٧٤٠	ـ٧٤٠
ـ٧٥٠	ـ٧٥٠	ـ٧٥٠
ـ٧٦٠	ـ٧٦٠	ـ٧٦٠
ـ٧٧٠	ـ٧٧٠	ـ٧٧٠
ـ٧٨٠	ـ٧٨٠	ـ٧٨٠
ـ٧٩٠	ـ٧٩٠	ـ٧٩٠
ـ٨٠٠	ـ٨٠٠	ـ٨٠٠
ـ٨١٠	ـ٨١٠	ـ٨١٠
ـ٨٢٠	ـ٨٢٠	ـ٨٢٠
ـ٨٣٠	ـ٨٣٠	ـ٨٣٠
ـ٨٤٠	ـ٨٤٠	ـ٨٤٠
ـ٨٥٠	ـ٨٥٠	ـ٨٥٠
ـ٨٦٠	ـ٨٦٠	ـ٨٦٠
ـ٨٧٠	ـ٨٧٠	ـ٨٧٠
ـ٨٨٠	ـ٨٨٠	ـ٨٨٠
ـ٨٩٠	ـ٨٩٠	ـ٨٩٠
ـ٩٠٠	ـ٩٠٠	ـ٩٠٠
ـ٩١٠	ـ٩١٠	ـ٩١٠
ـ٩٢٠	ـ٩٢٠	ـ٩٢٠
ـ٩٣٠	ـ٩٣٠	ـ٩٣٠
ـ٩٤٠	ـ٩٤٠	ـ٩٤٠
ـ٩٥٠	ـ٩٥٠	ـ٩٥٠
ـ٩٦٠	ـ٩٦٠	ـ٩٦٠
ـ٩٧٠	ـ٩٧٠	ـ٩٧٠
ـ٩٨٠	ـ٩٨٠	ـ٩٨٠
ـ٩٩٠	ـ٩٩٠	ـ٩٩٠
ـ١٠٠٠	ـ١٠٠٠	ـ١٠٠٠

همه کند گیر پیوی مینمانت که می سوی میند بوله  
 دیوار ندن که بر جت قرب بوله دیواره  
 و از درونه که مکانه در از زمینه که از ایند  
 شرایط طوره که حفظ نهی خواهی تلقیمی  
 طبله صفا صفا صفا صفا صفا صفا صفا  
 ۷۷۷

همه کند گیر پیوی مینمانت که می سوی میند بوله  
 دیوار ندن که بر جت قرب بوله دیواره  
 و از درونه که مکانه در از زمینه که از ایند  
 شرایط طوره که حفظ نهی خواهی تلقیمی  
 طبله صفا صفا صفا صفا صفا صفا صفا  
 ۷۷۷

پیک! بی اولوب رده جبله نوزیم و فردخت ادلندی

د. فَيْقَى

TE104

۱۸۲

رسان  
۱۳۸۸-۰۹:۰۵:۲۱

دیوار نمود کو را داد تا خود را بپوشاند  
دیوار نمود کو در راه از پرگار طای شلم غایت  
مقامی داشته و طالعی نظیمه  
مطلاع  
و فتح عین در راه

لایه ای از خاور بر پر طوپا کیرکی از دنی و سایر اینکه بازخواه اد نوب تخلص اون بچین چند  
در درود رکو شد و بالای آنکه مسنده ای افکار مخفی بسته در فک کنیه همینه و غرب و در باده ادن ره  
رکو رکو شد و بالای آنکه مخفی بسته در فک کنیه همینه و غرب و در باده ادن رسن  
از عرض مغفاره ای منع شد و بعد از میانه روز مردمی در زیر زمین بالا سه تدریج سلطنه  
تاج و مدهله را در علیه ای بسته بیدار شد و همینه اد اینکه کوثری است در بادان گفته همینه فخر  
لایه ای از خاور بر پر طوپا کیرکی از دنی و سایر اینکه بازخواه اد نوب تخلص اون بچین چند

طود مردمی از دن بینی تهدی علیاً سده مهمن سهنده مهمن ادا نهاد قدران برگی ذراخ نعمتی از دن بینی  
علقاند و دهدیل بر عرب بوری افغانی از خفت بولو قمه هفت مهندیه علیاً مهمن شرقی دهیان  
شکر بر زبانی های ری و پنهان ادان اتفاقی دری قاطر مرغومه نگد اتفاقی ایدن تیرناته منن اذنی

برئه مذکور که علیه سده منین سنده منینه اهل کلکاتا افی  
مذکور که علیه سده منین سنده منینه اهل کلکاتا افی  
مذکور که علیه سده منین سنده منینه اهل کلکاتا افی

حایہ و نقلیہ و ساری آلات ابتدیہ

مطلاً فریده روزن و سرمه ده م وجود طویلکار  
و خیری عروس از همان این فرسوده و خراب این خد  
دیری اثنا عصده طبیان و دینه دامنیا جلی دینه

آنالیز ادریسی هم توانست اخنایه و دلگلی طعن نام مکمله بقیه قا لوب باش و بگون ضبط و بعد از حدود رهلوایی این امر عالم معتبر به فرزند خادم کارهای دفتری در پرورش

طهور و سکون برای شاهزاده ایلخانیه دستیق  
بلارینه و آنکه نزدیک در خداوندان  
رئیسی داشتند

بازار امیر سوکان	نخیل	غذا غذای خوش
در فروخت از		
دستی		
۷۰۹۰		
۱۰۰		
۶۰۹۰		
	۱۲۹۰۰	۱۲۹۰۰
	۵۵۹۰۰	۵۵۹۰۰
		۷

شند قریب ام ترسیم او را بقیه ایجاد کردند و متنوی تدریسی مکمل ۱۹۵۴-۱۹۵۵) حصیل

کشیخ دادلان ۱۶ کویله دریا

بیان اینجعیت یکی مفتوحه سه کی ماه رجبی شریعتکخه سندن او تو نزد سه کی ماهی الـ خوی  
غاییتـه قدر از تیـه سندن باـر عـادی ایـکـشـه و زـنـقـیـلـهـ اـنـهـ رـقـهـ هـرـسـنـهـ کـاـ مـلـهـ اـنـظـالـهـ کـاـ  
مـیـزـانـ عـدـدـیـ مـقـاطـعـهـ مـنـدـکـهـ حـاـصـلـهـ وـرـنـیـلـکـهـ مـوـادـبـهـ کـرـبـیـانـیـ ذـرـ اـسـفـرـ  
مـارـچـهـ مـیـزـونـهـ نـالـکـسـنـهـ قـوـدـیـ لـهـ بـهـ  
آـنـهـ قـدـرـ مـقـاطـعـهـ اـمـرـ بـهـ نـکـشـ  
حـاـصـلـهـ اـنـدـهـ بـهـ تـیـعـهـ

ستاد فوده ذی المی غبه سند نهایتند فدر بیره ماه مده حاصل ار لازم میزان بجز اینها  
ذبیح و اغلوچه کار کل صراحت کنمه نمک افته کنده نمک تا همان تواند  
هزار رام طبری رام چهار رام هشتاد هزار رام

پانادهاد خلواصیک دمیری کفره نک ارسنیکنده نک  
قروره بیان قروره بیان

میرزا حسین رسمی  
۱۰۵۰

2

ستنه بوره ناکو مکابنده سدن زیسته قدر عاصلات میزان حرب اندھا  
حاجی عمردن حاجیکارا هدن کریکردون یانکو گوردن  
عمردن چندون چندون چندون چندون چندون

پدری کنفرانس	حافظ محمد رن	مصطفی ملی	حافظ احمد	یوسفی کنفرانس
چهارم	چهارم	چهارم	چهارم	چهارم
۱۸	۲۷	۳۶	۴۵	۵۴
۴۹	۸۰	۸۵	۸۵	۸۵

سراج احمد حاجی احمد ده علائیہ ولد پیری کفرنگان  
حربوراً حربوراً بیک

سینمای ایران نیکا صفر لهر کار ایندیا سدن هایسته تر رسم وزان حرب را نهاده

فوجویوراک اونغوندت خانی چکرک  
خانی چکرک خانی گوند نه نه  
خانی چکرک خانی گوند نه نه  
خانی چکرک خانی گوند نه نه

کفره فوری کفره صاری سراخی کفره ناک دفعه سودن  
 مکد مکرور مکرور مکرور مکرور  
 سرم پیران خرد سرم پیران خرد سرم پیران خرد سرم پیران خرد سرم پیران خرد

نیشنل بیکریز ایالات متحده

سنه قدره ناهار ربع الدايمينكابن اسكندرن نهايته تقدره حالات هر انتها ليه  
ماجي حكمه انا شفاف كفوه ننك يبر قور كفوه ننك انا شفاف كفوه ننك كيوك دعوه  
هر دره هر دره هر دره هر دره هر دره هر دره هر دره هر دره هر دره هر دره هر دره

علاقه ندارم کفره علائمه نی یورکی کفره قطبعلی سعد ناد  
حربه ندارم حربه ندارم

جع کد سیمین

میران دوران طایی

سندروم نکار بیرونی از این میان میتواند انتهاسته در حاصلات میزان هر برخانی  
و از ملایم غلوده کرد یعنی عکس اینها میتوانند اینها را عطا شوند این نوع نکارهای

بازار سمندریان ۵۷۸  
۹۶۰ کیمپینگ مکانیزم ۴۸۴

بُشِّرَتْ بُشِّرَتْ بُشِّرَتْ بُشِّرَتْ

مطابق اسلامی کے عزیز نوکریوں کا فروخت احمد رضا خان میرزا حبیب الدین

جعه سو  
سازن سه میزان حیران  
نمایشی پریا س صد

سنت قوم نیک چاری الاخوه می ابعت استند نه یا نستند در بر ماه مدده عاصی امداده میزان حیران خواهی  
لکه ریاضی ادغام کریستن شده اند فناجی صفتی دنک و فولکلور خود را بیو رحیم اند پریندا

مداد طاھر کل نہیں  
کوئی میرا نہیں

رسم میزان حبر  
رسم نفای پرسنل  
۱۹۷۸

نحو  
۱۶۷۰  
۱۶۶۹  
۱۶۶۸

၁၆

8c

اینکه ایکوبوز کوئی طفیر سنه کی باغ الفردینگلند شپی بر زندت او تو زست کی جادی الا اخی نهایت تقدیر بر سرست کام  
انجام داده باشند که از همکاری میان چهار چشم خاصی اول را رسماً میکارند و در همین آینده میکارند که از همکاری  
نهایت تقدیر بر سرست کام

لائمه لی مصطفی رئیس تایپی بید و درود ایدن  
شیخ کوپس روغنی راهه بغل بعل نبی مولک حسنا  
شیخ کوپس روغنی راهه بغل بعل نبی مولک حسنا  
لائمه لی مصطفی رئیس تایپی بید و درود ایدن  
شیخ کوپس روغنی راهه بغل بعل نبی مولک حسنا  
لائمه لی مصطفی رئیس تایپی بید و درود ایدن  
شیخ کوپس روغنی راهه بغل بعل نبی مولک حسنا

**اللهم إلهي طرفة عينك أصلح لي ما في بيتي**

لـ طـ اـ حـ مـ اـ لـ لـ اـ

لی طائف جایی او غیر بالغ است از  
ظاهر فخری بیان کرده باشند که این

ساقیانی مولید اکندری خسین بیوس مالنون انت  
لیلیه پنجه چشم چشم چشم چشم

وَاتْ جُولَسِدْ وَرُورَايِنْ طَالِبْ لِحِجَنْ كِيرِيدْ  
سَابِونْ سَابِونْ سَابِونْ سَابِونْ سَابِونْ سَابِونْ سَابِونْ

١٠٣ هدایه امیرالاسکندری یوسفی لازمی میان طبقه مومنی اینست که این دو دعائی  
شیخ قیم خدین این دعائی صادرت و عذر آنکه نیز بیشتر توانی داشته باشد  
لذتی داشته باشد و این دعائی بسیاری از این دعائی هایی است که در اینجا  
نمایش داده شده اند.

۴۸  
کسری میانی اندیشه های پیش از تاریخ  
علایل سیاست اندیشه های پیش از تاریخ  
کتاب روزگاری اندیشه های پیش از تاریخ  
سازمان اندیشه های پیش از تاریخ

امروزه شیوه اخلاقیان ایتالیا ایتالیا کوئندا ادا غیره قدر بر ماده ظرفیه حاصل ادنا رسم کردا اند

٤٦٩  
اسکندریون دن کلاری قرقی لامر رئیس نیز بخت امانت  
اطلاقی و میرزا خوشبخت و میرزا خوشبخت و میرزا خوشبخت  
اطلاقی و میرزا خوشبخت و میرزا خوشبخت و میرزا خوشبخت  
اطلاقی و میرزا خوشبخت و میرزا خوشبخت و میرزا خوشبخت

مکالمہ نامہ میں اسی سلسلہ کا ایک حصہ ہے۔

29

**عورت اطہر خان پیش تاییدنہ انسان** میں تاییدنہ انسان کا

طازیں قیصریہ ایکان

وَمِنْهُ مُؤْمِنٌ بِالْأَنْجَانِ

شیخ مسیحیه  
میرزا جعفر  
بخاری

تُجْبِلُ الدَّارِيَّةِ مُهَاجِرًا إِلَى مُهَاجِرَيْهِ تَأْيِدُنَّ النَّاسَ  
صَادُونَ سَرِيبَاتِ رَسْطَنْجَانِيَّةِ سَرِيبَاتِ سَرِيبَاتِيَّةِ  
بَشَّارَاتِ بَشَّارَاتِيَّةِ بَشَّارَاتِيَّةِ بَشَّارَاتِيَّةِ  
بَشَّارَاتِيَّةِ بَشَّارَاتِيَّةِ بَشَّارَاتِيَّةِ بَشَّارَاتِيَّةِ

لایل دن لکل قیود رسیدن قیضتند فریدن للا طایفه عاد رسیدن خانه خدیدن دخدا نور  
لایل دن لکل قیود رسیدن قیضتند فریدن للا طایفه عاد رسیدن خانه خدیدن دخدا نور  
لایل دن لکل قیود رسیدن قیضتند فریدن للا طایفه عاد رسیدن خانه خدیدن دخدا نور

رسانیدند. پس از آن کوئی این ریس نتوانستند  
دهه کوتاه پاک پرور طبقه  
از این پارهه بگذرانند. همان‌جا صابون و روحانی  
بجای آنها بگذارند. همان‌جا همچنان  
برای زخمی بگذارند. همان‌جا همچنان  
برای زخمی بگذارند.

لکن در دن لکل صن قیودان یا نهادن لکل آشیدن رسیں سفیت مندن انت  
خوبون همچنان خود پر چنچالی  
سفیدمندن این ش

سندن الکاظمی عصی موصی فلسفه سعدی

و دع عن صادون مولی پور عزیز بیان  
چهارمین بخش از مجموعه میراث اسلامی  
دارای سفید و نقره ای از میراث اسلامی

مکتبہ ملک احمدیہ میں میرزا علی بن احمد کوئٹہ کے سرپرست تھا۔

م

83

شاد و قدم روز بزیغه علایه اندون پس سعد شد این  
باید و همینکجا طوری اینکجا طوری ملک زنی برای خان تسلیحاتی اخافل  
پسون مسافرون مسافرون مسافرون مسافرون مسافرون مسافرون مسافرون مسافرون

فَلِمَّا كَانَتْ رَبِيعُ الْأَوَّلِ قَدِمَ الْمَسْكُونَ  
عَلَى مَدِينَةِ الْمَقْدِسِ فَلَمَّا دَرَأَهُ  
الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُنْتَهَى إِلَيْهِ  
الْمُجْرِمُونَ وَلَمَّا دَرَأَهُ  
الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُنْتَهَى إِلَيْهِ  
الْمُجْرِمُونَ

لئن یا بچو بکیدت لوی پرسک فرست میس مشکل دروند از این اول شنید

دیگر چیزی داشتند و علاوه بر این مصلحت پذیرفتن این نظر را  
استناد به سیاست اسلامی اخلاقی بود که هر سیاستی که مسأله اسلامی  
باشد باید در این سیاست اسلامی اخلاقی باشد.

کشیدی س کلم دیگر نزدیک خود را مرتباً بخواه دعوهای خود را دعوهای خود را  
پس از آن دستور می‌دهد و همچنان دستور می‌دهد و همچنان دستور می‌دهد و همچنان دستور می‌دهد

سکل رئیس موسویه امامت دیگر سودهاد امامت علایی اندرون ریسون پیش از پیغام النبی  
پیغمبر مسیح مصلی اللہ علیہ و آله و سلم

دکان صدیقان انسان - سرم کارا بینت  
در کارکشند پیکار و پیغام رین دوی خوبی دینی  
مژده کار و میری - عین بیان

میں تا پھر میں دیکھ دیجیں جس کی بھذت اتنا  
بھذت عین بھذت خود را پہلی بھذت  
بھذت بھذت بھذت بھذت بھذت بھذت  
بھذت بھذت بھذت بھذت بھذت بھذت

**عَلَيْكُمُ الْأَنْدَعِيَّةِ كُلُّكُمْ تَابِعُهُ**

۴۸۰- ۴۸۱- **مکانیکیں کا پرہنڈن اتنا**  
کوئی بڑی قابلیت  
مکانیکیں کے ساتھ ملے گے۔

لے چکریں تا پسندیدن ادا  
یا بوجھ جب کہ میرتیں  
کھلے کھلے کھلے کھلے کھلے

سازمانی کوئنڈن اداخیت قدر ماده نده خاص ادغام رسمیمک انتظایه  
علایقی ل تفاسار مصلی طیرس نفعیت ناشت  
ضنیعوں رسپسی پیش نصل کوئز نیزی دینکری رسپسی قایقیز  
بیانیه جگہ بیکاری بیکاری فیض ایکانیتی نیزی یورخان یونکر شمع

١٨٥٩٩ عصکر

بھی لکھدی دا جو نہ قدر بر جاہ مدد نداہ حاصل اولیٰ رسماں کو انطا لیا

پیشنهادیه دن لکن جلد اول پیشنهاد اسناد معتبر مسند این انت رسمی نمایم که  
لهمه صفات خود را در اینجا معرفت نمایم و از آنها برخواسته باشند

نام	تاریخ	مکان	تعداد	نحوه
لک پروری	۱۳۴۷	میرنشا شریعت	۵۰۸۱	دستگیر
لک پروری	۱۳۴۸	میرنشا شریعت	۵۶۲	دستگیر
لک پروری	۱۳۴۹	میرنشا شریعت	۵۶۹	دستگیر
لک پروری	۱۳۵۰	میرنشا شریعت	۸۰۹	دستگیر
لک پروری	۱۳۵۱	میرنشا شریعت	۸۵۰	دستگیر
لک پروری	۱۳۵۲	میرنشا شریعت	۸۵۹	دستگیر
لک پروری	۱۳۵۳	میرنشا شریعت	۸۶۹	دستگیر
لک پروری	۱۳۵۴	میرنشا شریعت	۸۷۹	دستگیر
لک پروری	۱۳۵۵	میرنشا شریعت	۸۸۷	دستگیر

فَلَمَّا دَعَهُمْ أَنْذَرَنَا مُوسَىٰ مِنْنَا مُلْكًا لِّكُلِّ أُمَّةٍ  
وَأَنْذَرَنَا مُوسَىٰ مِنْنَا مُلْكًا لِّكُلِّ أُمَّةٍ

میتوانند تغییراتی را در این مکانات ایجاد کنند که باعث خودشان شوند.

مکالمہ علیہ میرزا محمد راعی استاد کراں دینی  
مذکور شد کہ میرزا محمد راعی اسی کام پر بخوبی  
انداخته اندوخته کریں، نفع نسبت داشت اما  
آنکه این کاری کی خود بخوبی بخوبی بخوبی

سے مل کر اپنے بھائی کو دیکھ لے گا۔

لهم اسْكُنْنِي سَدِّنْتَ يَا فِيهِ كَيْدِنْ عَبْدَ اللَّهِ رَبِّنْ يَقِيدِنْ سَدِّنْ النَّ

سی ریاستی نظریه  
سیاستی نظریه  
سیاستی نظریه

کله و دن کله و ساره میں پیش شدند لانا

جذب رغبة ملوك صفتها عبادت سعادت  
جذب رغبة ملوك صفتها عبادت سعادت

بیانیه میرزا علی شاه قاجار  
دعا و اذکار  
۷۹۶۸

Digitized by srujanika@gmail.com

Digitized by srujanika@gmail.com

163

କାନ୍ତିର ପାଦରେ ମହାଶୂନ୍ୟରେ ଯାଏନ୍ତି କାନ୍ତିର  
ପାଦରେ ମହାଶୂନ୍ୟରେ ଯାଏନ୍ତି କାନ୍ତିର

بسبور شریف ملکه افتاد و اجب الامر که از این لحظه ملک معرفت بر راه عامل  
اول معرفت شد و بدن علامت شریف احمد دیباز تحریر فی الیوم السادس عشر  
من آن بحداری الداری لش نشان و مأیین دالع مدحص الساسی شد

٢٦

وکه و جمیع خواسته شرف افزای اجلال و معدالت بیراز انجیلا و لامش عده انتظار و شوهر معرفت و این ایام  
محمد امین و صدیق پاتن فخر معرفت دینیک میت مذکور شریف بزرگ مسیحی بزرگ مسیحی و ارسانی فخر  
بیور زلیل بیدر پلکانی پاینده بر تهدیا بوس و ایکی قطبه بر تیپ چانند سرت طولی بد دلخواه سازه کی  
دانلایلی مقصده سد بود و از طبقه بر تیپ از این اجاص بعترق و ایشی ایجاد عالمه فاغندر پایان  
عین تکان یکی بیرون بیرون کشیده بجهی سرمه لک خوار غایه ای اجلام اذنوب صوبت رایه ارسانی اون نه قدر  
دلخواه سازه کی دغیر مطیع ملک شریف و از دنیه بیور زلیل بیدر پلکانی ایجاد عالمه فاغندر پایان

ملک شریف و از دنیه بیور زلیل بیدر پلکانی ایجاد عالمه فاغندر پایان

ملک شریف و از دنیه بیور زلیل بیدر پلکانی ایجاد عالمه فاغندر پایان

ملک شریف و از دنیه بیور زلیل بیدر پلکانی ایجاد عالمه فاغندر پایان

ملک شریف و از دنیه بیور زلیل بیدر پلکانی ایجاد عالمه فاغندر پایان

ملک شریف و از دنیه بیور زلیل بیدر پلکانی ایجاد عالمه فاغندر پایان

ملک شریف و از دنیه بیور زلیل بیدر پلکانی ایجاد عالمه فاغندر پایان

ملک شریف و از دنیه بیور زلیل بیدر پلکانی ایجاد عالمه فاغندر پایان

ملک شریف و از دنیه بیور زلیل بیدر پلکانی ایجاد عالمه فاغندر پایان

ملک شریف و از دنیه بیور زلیل بیدر پلکانی ایجاد عالمه فاغندر پایان

ملک شریف و از دنیه بیور زلیل بیدر پلکانی ایجاد عالمه فاغندر پایان

ملک شریف و از دنیه بیور زلیل بیدر پلکانی ایجاد عالمه فاغندر پایان

ملک شریف و از دنیه بیور زلیل بیدر پلکانی ایجاد عالمه فاغندر پایان

ملک شریف و از دنیه بیور زلیل بیدر پلکانی ایجاد عالمه فاغندر پایان

ملک شریف و از دنیه بیور زلیل بیدر پلکانی ایجاد عالمه فاغندر پایان

ملک شریف و از دنیه بیور زلیل بیدر پلکانی ایجاد عالمه فاغندر پایان

ملک شریف و از دنیه بیور زلیل بیدر پلکانی ایجاد عالمه فاغندر پایان

ملک شریف و از دنیه بیور زلیل بیدر پلکانی ایجاد عالمه فاغندر پایان

ملک شریف و از دنیه بیور زلیل بیدر پلکانی ایجاد عالمه فاغندر پایان

ملک شریف و از دنیه بیور زلیل بیدر پلکانی ایجاد عالمه فاغندر پایان

او زرمه علیه علیه احتیاط اینکه این سعادت ذهنی که ایجاد شد بیچ  
و شرکی اینکه این عذر و علتنه حکم داشت و اینکه بیان طبله بود

بو باده و گفت تاک عذر و علتنه حکم داشت اینکه زنایه مطلع بود که فرم  
بر از دست مبارکه و تحسین ایزد و ملک مقول از نیک معرفت شرعی داشت که معرفت

و ملموس فخری به حسره ربه طلب و گفت اینکه نداشت ایزد که هنر زنیک فرم  
بر از دنیه قابوی بر این دعوی دعافت و در بیان ادعای ایزد و بیان

سازه ایله همچو قدره عذر و علتنه ایزد ایزد ایزد و ملک مقصود شرکی کل مکن  
ایله من و ملکه دفعه و لذت ایزد بر ایزد و ملکه دفعه و لذت ایزد و ملکه دفعه و لذت ایزد

درست و برد فقام و اراده ملیم حصول مصلحت عزت و خیر و اسلام و فراموش بکوئنه عالی  
چاره از دنیه بناشیت ایشانی و بیان داد ایزد باشند فریم عایش ایشانی صادر از دنیه بیان  
ملک شریف و از دنیه بیان داده بیان داده بیان داده بیان داده بیان داده بیان داده

بیان داده بیان داده بیان داده بیان داده بیان داده بیان داده بیان داده بیان داده بیان داده

بیان داده بیان داده بیان داده بیان داده بیان داده بیان داده بیان داده بیان داده بیان داده

بیان داده بیان داده بیان داده بیان داده بیان داده بیان داده بیان داده بیان داده بیان داده

بیان داده بیان داده بیان داده بیان داده بیان داده بیان داده بیان داده بیان داده بیان داده

بیان داده بیان داده بیان داده بیان داده بیان داده بیان داده بیان داده بیان داده بیان داده

بیان داده بیان داده بیان داده بیان داده بیان داده بیان داده بیان داده بیان داده بیان داده

بیان داده بیان داده بیان داده بیان داده بیان داده بیان داده بیان داده بیان داده بیان داده

بیان داده بیان داده بیان داده بیان داده بیان داده بیان داده بیان داده بیان داده بیان داده

بیان داده بیان داده بیان داده بیان داده بیان داده بیان داده بیان داده بیان داده بیان داده

بیان داده بیان داده بیان داده بیان داده بیان داده بیان داده بیان داده بیان داده بیان داده

بیان داده بیان داده بیان داده بیان داده بیان داده بیان داده بیان داده بیان داده بیان داده

بیان داده بیان داده بیان داده بیان داده بیان داده بیان داده بیان داده بیان داده بیان داده

بیان داده بیان داده بیان داده بیان داده بیان داده بیان داده بیان داده بیان داده بیان داده

بیان داده بیان داده بیان داده بیان داده بیان داده بیان داده بیان داده بیان داده بیان داده

بیان داده بیان داده بیان داده بیان داده بیان داده بیان داده بیان داده بیان داده بیان داده

بیان داده بیان داده بیان داده بیان داده بیان داده بیان داده بیان داده بیان داده بیان داده

بیان داده بیان داده بیان داده بیان داده بیان داده بیان داده بیان داده بیان داده بیان داده

97-

1

1223-1232 86 adımlık hiz  
vesait Karşılık kayıtlı  
Kalam tamiri resifmanesi  
Tekeli oğlu Vakıfmanesi  
Tekeli oğluna, matrimis  
müsadelesine uit Formosular  
en estki vesikalalar  
havlı ciltler



- 97 -  
1

1223-1232 A. esiratlı bazi  
vesait Karşık Kayalı  
Kalan tarihi keşiflerde  
mese  
mis  
Formosulor  
lare

## MİLLÎ KÜTÜPHANE BAŞKANLIĞI

Ş.S.D.:

İLİ / İLÇE : ANTALYA

Demirbaş No : 1

Mikrofilm No: 4307

Poz Sayısı: 43

Çekildiği Yıl : 1998

